

# پژوهشهای حقوقی

شماره ۸

هزار و سیصد و هشتاد و چهار - نیمسال دوم

## مقالات

- قانون تجارت ایران در گردونه تحول : بررسی اصلاح مقررات شرکتهای تجاری
- جایگاه موازین بین‌المللی حقوق بشر در مبارزه با تروریسم
- حقوق توسل به زور در پهنه تحولات بین‌المللی : ارزیابی انتقادی گزارش هیأت عالی منتخب سازمان ملل متحد
- بررسی معیار سنی مشارکت در انتخابات عمومی : حقوق ایران و حقوق تطبیقی
- ساز و کار اجرای احکام دیوان اروپایی حقوق بشر

## موضوع ویژه : حقوق بیمه در نظام ملی و تطبیقی

- تعهد به «حسن نیت» در قرارداد بیمه عمر
- دعوی مستقیم و رجوع زیاننده به بیمه‌گر
- زیان همگانی در حقوق بیمه دریایی
- اصول خدمات بیمه در سازمان تجارت جهانی و آثار حقوقی الحاق ایران به آن
- لایحه بیمه تجاری (۱۳۸۴/۴/۲۷)، تلاش برای رفع ابهامات موجود در قانون بیمه

## نقد و معرفی

- رأی پرونده موسوم به هموفیلی‌ها: نگاهی نو به مسؤولیت مدنی دولت در رویه قضایی ایران
- دادگستری اروپا (یوروجاست)





## دعوی مستقیم و رجوع زیان‌دیده به بیمه‌گر

عبدالله خدابخشی شلمزاری\*

**چکیده:** ظهور بیمه تأثیر بسیاری در حقوق مسئولیت مدنی داشته و قواعد آن را تغییر داده است. علاوه بر تغییر قواعد ماهوی مسئولیت مدنی، نظیر تحول مبنا، اصول و مفاهیم آن، قواعد شکلی مسئولیت مدنی، کیفیت و کمیت دعوی آن نیز دگرگون شده است. یکی از این تأثیرات، وجود دعوی خاصی است که بر خلاف اصل نسبی بودن قرارداد، رابطه‌ای مستقیم میان زیان‌دیده و بیمه‌گر ترسیم می‌کند. نظر به تحول آتی حقوق مسئولیت مدنی و بیمه در ایران ضرورت آشنایی با دعوی آن در این نوشتار، توضیحاتی پیرامون «دعوی مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر» ارائه می‌شود.

**واژگان کلیدی:** مسئولیت مدنی، دعوی مستقیم، بیمه‌گر، نسبی بودن رابطه حقوقی، دعوی بیمه‌ای، دعوی مسئولیت مدنی.

### فصل اول: دعوی مسئولیت مدنی و بیمه

#### گفتار اول: کلیات دعوی مسئولیت مدنی

تحول حقوق حاکم بر مسئولیت مدنی، آثار عمیقی بر دعوی مسئولیت مدنی برجای نهاده است. در زمان تدوین قانون مدنی ۱۸۰۴ فرانسه بحث از کلیات قراردادها و شناخت آثار و احکام آنها بیشترین بحث حقوقی را به خود اختصاص داده بود<sup>۱</sup> تا اینکه پس از شکوفایی انقلاب صنعتی و وقوع حوادث زیانبار، نوبت به مسئولیت مدنی رسید و قرن بیستم را به درستی می‌توان به قرن توسعه حقوق مسئولیت مدنی تعبیر نمود. در حالیکه در سال ۱۸۰۴ تنها ۵ ماده کوتاه در قانون مدنی فرانسه به این مهم اختصاص داده

\* قاضی دادگستری و دانشجوی دوره دکترای حقوق خصوصی دانشگاه تهران

<sup>1</sup> André Tunc, *International Encyclopedia of Comparative Law*, T. XI, Torts, 1971, p. 48.

شده بود، قانون مدنی آلمان در سالهای بعد ۳۱ ماده (مواد ۸۲۳ الی ۸۵۳)، قانون ۱۹۲۶ اتیوپی ۱۳۴ ماده (مواد ۲۰۲۷ الی ۲۱۶۱) و به همین ترتیب کشورهای دیگر مواد بیشتری را به بحث مسئولیت مدنی اختصاص دادند.<sup>۲</sup>

### الف - طرفین دعوای مسئولیت مدنی

شیوع بیمه مسئولیت مدنی بر روی دعوای، شیوه طرح و روش حل و فصل آنها تأثیر داشته است.<sup>۳</sup> در حالت عادی زیان‌دیده اقدام به طرح دعوا علیه عامل ورود زیان می‌نماید تا تکلیف دفاع بر عهده وی قرار گیرد و ناچار باشد، جهت رد فرضها و اماره‌های تقصیر و اثبات فقدان نقض تعهدات قانونی، توجیهاتی منطقی داشته باشد. در مسئولیتهای ناشی از فعل غیر نیز، مباشر زیان (مانند صغیر و کارگر) طرف دعوا نیستند و مسبب حادثه (والدین، کارفرما و...) پاسخگوی زیان شخص تحت مراقبت خود می‌باشند. اما ظهور بیمه‌های مسئولیت این روند منطقی را دگرگون نموده است. بعد از این تحول، بیمه‌گر به دفاع از دعوا می‌پردازد و مسؤول حادثه، صرفاً برای رسیدن به هدف دعوا، با شرکت بیمه همکاری می‌کند.<sup>۴</sup> در کانادا از آنجا که عابر پیاده مجبور به اثبات تخطی و تقصیر راننده از شیوه متعارف بود و دشواری و غیرمنصفانه بودن این شیوه نیز امری واضح به نظر می‌رسید، قانون ۱۹۹۰، حقوق حاکم بر مسئولیت مدنی را تغییر داد و عابرین پیاده به طرح دعوا علیه بیمه‌گر رهنمون گشتند و در این راه نیازی به اثبات تقصیر شدید رانندگان نبود.<sup>۵</sup>

در کشور شوروی سابق و پس از انقلاب بلشویک، دادگاهها در دعوای مسئولیت مدنی، همان مفاهیم سابق را اعمال می‌نمودند و خواننده دعوا، کسی غیر از شخص مباشر یا مسبب زیان نبود و با آنکه دادگاهها، مطابق دستور انقلابی، مجاز به تخطی از مقررات ناهماهنگ با اهداف انقلاب بودند، ولی تحولات تازه در نظر این دادگاهها امری ناشناخته بود. تا اینکه در سال ۱۹۲۰ حقوقدانان این کشور و بعد از آنها قانونگذار، به توسعه بیمه برای پوشش دادن به زیانهای ناشی از تصادفات اهتمام ورزیدند و با این تحول، بسیاری از دعوای مسئولیت با دخالت بیمه‌گر، فضای دادگاهها را پر نموده و در

<sup>2</sup> *Ibid.*, p. 3.

<sup>3</sup> <http://www.hku.hk/law/teaching/tort/role.html>.

<sup>4</sup> *Ibid.*; Mark Lunney and Ken Oliphant, *Tort Law: Text and Materials*, London, Oxford University Press, 2000, p. 16. <http://www.cummings.ab.ca/nofault.htm>.

<sup>5</sup> *Ibid.*

مجموعه‌های رویه قضایی این کشور، جای گرفت.<sup>۶</sup>

### ب - موقعیت زیان‌دیده در دعوی مسؤولیت مدنی

در بسیاری از موارد علیرغم ورود زیان و مشخص بودن ناروایی آن، امکان انتساب فعل زیانبار به مسؤول حادثه، به دلیل ابهام در تعیین مسؤول حادثه در میان اشخاص محصور یا پراکنده بودن وی میان انبوهی از جمعیت، ممکن نیست. مشکل دیگر، عدم موفقیت زیان‌دیده پس از رسیدگی دادگاه و صدور حکم به نفع اوست. زیان‌دیده با اعسار مسؤول حادثه روبرو می‌شود و برای استیفای حق وی، مالی به دست نمی‌آید. فایده طرح دعوی مستقیم پرهیز از این دشواریهاست.<sup>۷</sup>

خطر اعسار ممکن است در تمام زمینه‌های مالی باشد، اما جلوگیری از تحقق این وصف در مسؤولیت مدنی، یکی از نکات حائز اهمیت برای پاسداری از صلح اجتماعی است و این وظیفه را بیمه مسؤولیت مدنی عهده‌دار است.

### گفتار دوم: بیمه و کمیت دعوی مسؤولیت مدنی

گسترش بیمه‌های مسؤولیت از جمله عواملی است که بر میزان، سرعت و امکان وصول به حق در دعوی مسؤولیت مدنی تأثیر داشته و روابط زیان‌دیدگان و بیمه‌گران را از رابطه‌ای که با مسؤول اصلی حادثه داشته‌اند، متمایز نموده است. برخی آن را رابطه‌ای نادرست می‌دانند<sup>۸</sup>؛ زیان‌دیدگان سعی در جبران خسارت نامعقول و نادرستی از بیمه‌گران دارند و از تحول مثبت مسؤولیت مدنی به صورتی نامشروع بهره می‌برند و بیمه‌گران نیز سعی در کاستن از میزان زیان و تأخیر در پرداخت خسارت دارند.<sup>۹</sup> این امر باعث شده است تا در خصوص «کمیت» دعوی مسؤولیت مدنی، بین نویسندگان اختلاف نظر باشد.

<sup>6</sup> John N. Hazzard, Issac Shariro & Peter B. Maggs, *The Soviet Legal System*, Oceana Publication INC, Dobbsferry, New York, 1969, p. 449.

<sup>۷</sup> محمدجعفر جعفری لنگرودی، *دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت*، جلد اول، چاپخانه مشعل آزادی، ص ۶۷۵.

<sup>8</sup> Andri Tunc, *Towards a European Civil Code*, Kluwer Law International, 2<sup>nd</sup> Revised and expanded, London, 1988, p. 464.

<sup>9</sup> *Ibid.*

## مبحث اول: بررسی علل کاهش دعاوی مسؤولیت مدنی

### ۱. تعدیل عناصر مسؤولیت مدنی و کاهش زمان رسیدگی به دعوا

اگر عناصر مسؤولیت مدنی، در نتیجه توسعه بیمه دچار تحول شده و در برخی موارد، تعدیل یا حذف شوند، دشواری «اثبات» از جهاتی کاهش می‌یابد و به همان نسبت سرعت جریان دعوا و امکان صدور حکم به سود زیاننده، افزایش می‌یابد. به عنوان مثال در مورد احراز رابطه سببیت، نهادهایی نظیر سیستم جبران خسارت بدون تقصیری (No-fault) در تسریع دریافت خسارت و حل و فصل دعاوی موفق بوده‌اند<sup>۱۰</sup> و علت موفقیت آنها، عدم توجه به عنصر تقصیر می‌باشد، امری که زیاننده را در اثبات حقانیت خود یاری می‌دهد و با اصل جبران خسارت انطباق بیشتری دارد.

### ۲. حفظ شهرت مؤسسات بیمه

روابط ناشی از بیمه مبتنی بر اصول مهمی نظیر اصل حسن نیت و اعتماد می‌باشد و کوچکترین خلل در این رابطه و نادیده گرفتن اصول آن، سبب از دست رفتن اعتماد متقابل و نهایتاً صدمه دیدن صنعت بیمه خواهد بود. در مورد بیمه مسؤولیت مدنی وضعیت حساستر است. شهرت بیمه‌گران به اینکه در کمترین زمان ممکن، خسارت وارده را مطابق تعهدات خود پرداخت و جبران می‌نمایند، سبب می‌گردد اولاً سیر اختلافات ناشی از حوادث به طرف بیمه‌گران هدایت شود و ثانیاً دریافت خسارت نیز سریعتر به عمل آید و نتیجه این دو، کاهش دعاوی مسؤولیت مدنی خواهد بود. بخصوص اگر نوع سیستم بیمه (first-party insurance) باشد که در آن، زیاننده به بیمه‌گر مستقیم خود رجوع می‌کند<sup>۱۱</sup>

در ایالات متحده بیمه‌گران مکلف به اعمال شیوه‌های منصفانه در برخورد با زیاندیدگان و بیمه‌گذاران می‌باشند و در صورت خودداری نمودن از پرداخت خسارت، بدون ارائه دلیل مکفی و قانع‌کننده و عدم رعایت حسن نیت، دارای مسؤولیت خواهند بود و اشخاص ذینفع می‌توانند هم در دیارتمان بیمه‌ای و هم در دادگاه علیه بیمه‌گر طرح دعوا نمایند. دعوی اخیر که معروف به دعوی (first-party) می‌باشند تا قبل از سال ۱۹۷۹ قابل طرح نبود و در مارس ۱۹۷۹ بود که دادگاه عالی کالیفرنیا در دعوی

<sup>10</sup> <http://www.cummings.ab.ca/nofault.htm>.

<sup>11</sup> Andri Tunc, *op. cit.*, p. 464.

معروف<sup>۱۲</sup> چنین رأی داد که شخص ثالث می‌تواند شرکت بیمه را به جهت عملکرد غیرمنصفانه تحت تعقیب قرار دهد. البته همان دادگاه در اوت ۱۹۸۸ در دعوی دیگری<sup>۱۳</sup>، تصمیم قبلی خود را کنار نهاد و طرح دعوا علیه شرکت بیمه را به جهت روش غیرمنصفانه نپذیرفت تا اینکه در اکتبر ۱۹۹۹ مقررات مخصوصی به تصویب رسید و اجازه چنین دعاوی را اعطا نمود.<sup>۱۴</sup>

### ۳. مذاکره بیمه‌گر با زیان‌دیده برای حل و فصل اختلاف

در بسیاری از کشورها، رفع اختلافات در زمینه مسئولیت مدنی، از طریق پیشنهاد به عمل آمده از سوی بیمه‌گر خطاب به زیان‌دیده به عمل می‌آید. این پیشنهاد، در برخی موارد، با رعایت جوانب انصاف و حسن نیت، اجباری است و در برخی موارد هم به صورت عرف مسلم درآمده است که در جهت کاستن از دعاوی مسئولیت مدنی به کار گرفته می‌شوند. ما برای نمونه از روند مرسوم در حقوق فرانسه که به صورت اجباری نیز مقرر شده است یاد می‌نماییم.

بخش سوم از قانون ۱۹۸۵ فرانسه در مورد حوادث رانندگی (مواد ۱۲ الی ۲۶) شیوه خاصی را به صورت پیشنهاد حل و فصل اختلافات از سوی بیمه‌گر خطاب به زیان‌دیده پیش‌بینی کرده است. این پیشنهاد باید ظرف مهلت ۸ ماه از زمان تصادف به عمل آید و زیان‌دیده (یا قائم‌مقامان او در فرض فوت) را آگاه نماید (ماده ۱۲). در صورتیکه وضعیت زیان‌دیده، از حیث نوع جراحات، هنوز تثبیت نشده باشد، پیشنهاد به صورت موقت به عمل می‌آید و ظرف مهلت ۵ ماه از زمان تثبیت شرایط زیان‌دیده، طرح نهایی ارائه می‌شود. هرچند مهلت‌های مذکور به نظر طولانی می‌رسند، اما برای اینکه بیمه‌گر با بررسی وضعیت زیان‌دیده، احراز نماید که آیا این شخص از منابع دیگر، جبران خسارت شده است یا خیر تا از جمع دو یا چند طریق جبران خسارت در دارایی وی اجتناب کند، مدت‌هایی ضروری محسوب می‌شوند. در صورت عدم ارائه پیشنهاد یا ارائه پیشنهاد مبهم، خسارت قابل پرداخت به دو برابر آنچه دادگاه حکم می‌دهد افزایش می‌یابد و پیشنهادی که به صورت فزاینده‌ای غیرمنصفانه جلوه نماید سبب جریمه شدن بیمه‌گر به پرداخت ۱۵ درصد کل خسارت قابل پرداخت به سود صندوق تضمین

<sup>12</sup> Royal Globe Ins. Co. v. Superior Court.

<sup>13</sup> Moradi-Shalal v. Fireman's Fund Ins. Co.

<sup>14</sup> [http://www.lao.ca.gov/initiatives/2000/30/03\\_2000.html](http://www.lao.ca.gov/initiatives/2000/30/03_2000.html).

می‌شود. در صورتیکه دو یا چند راننده در تصادف دخالت داشته باشند، بیمه‌گرها بین خود توافق می‌نمایند که کدامیک از آنها ارائه پیشنهاد را به عهده بگیرد. ماده ۱۹ قانون به زیان‌دیده یا قائم‌مقامان او اجازه داده است که ظرف مهلت ۱۵ روز از تاریخ امضای قرارداد، از آن عدول کرده و به اطلاع بیمه‌گر برساند. هرگونه مبلغی که مورد توافق قرار گیرد یا دادگاه حکم دهد، باید ظرف ۱ ماه پرداخت شود. در ماده ۲۶ قانون نیز انتشار مبالغ پرداخت شده، جهت مقایسه میان انواع مختلف این پیشنهادها، اجباری است.<sup>۱۵</sup>

### مبحث دوم: بررسی علل افزایش دعاوی مسؤولیت مدنی

برای افزایش دعاوی مسؤولیت مدنی دلایل مشروح و عدیده‌ای ذکر و ادعا شده است که توسعه بیمه مسؤولیت مدنی با افزایش حوادث و دعاوی ارتباط دارد.<sup>۱۶</sup>

#### ۱. موقعیت زیان‌دیده

زیان‌دیده حادثه، نتیجتاً از رهگذر بیمه‌های مسؤولیت سود برده و می‌برد؛ منبع درآمد مکفی و سهل‌الوصول، اقبال و توجه خاص دادگاهها و صدور احکام با مبالغ بالا و تحول در اسباب و ارکان مسؤولیت که اثبات آن را آسانتر می‌نماید و اموری از این قبیل، همگی موقعیتی ممتاز برای او به وجود آورده‌اند.<sup>۱۷</sup> در مرحله نزول این قواعد یعنی دعاوی مسؤولیت مدنی نیز دخالت بیمه به نحو چشمگیر در تغییر موقعیت زیان‌دیده مؤثر بوده است.

۱. افزایش دعاوی مسؤولیت مدنی از یک جهت، نتیجه موقعیت مساعدی است که این حقوق برای زیان‌دیده فراهم آورده است. این موقعیت، فرصت طرح دعاوی پرسود را در بسیاری موارد به دست می‌دهد.<sup>۱۸</sup> توسعه بیمه مسؤولیت و افزایش میزان خسارت قابل پرداخت از سوی بیمه‌گر وقتی در کنار اقبال مساعد دادگاه در صدور این احکام قرار

<sup>15</sup> Andr! Tunc, *op. cit.*, p. 468; Peter Cane & Jane Stapleton, *The Law of Obligation*, Clarendon Press, Oxford, 1<sup>st</sup> Publication, New York, p. 370.

<sup>16</sup> Henri Mazeaud et L! on, *Trait! th! orique et pratique de la Responsabilit! civile delictuelle et contractuelle*, vol. I, Librairie du Recueil Sirey, 4<sup>me</sup> edition, paris, 1947, p. 12.

<sup>17</sup> «از روزی که بیمه‌های خسارت پا به میدان نهاد و خطرهای فزونی یافت، نظام مسؤولیت و مفهوم تقصیر و حتی میزان خسارت تحول یافت»، ناصر کاتوزیان، *عدالت قضایی*، گزیده آرا، نشر دادگستر، چاپ اول، تهران ۱۳۷۸، ص ۱۱.

<sup>18</sup> میشل لوراسا، *مسؤولیت مدنی*، ترجمه محمد اشتری، نشر حقوقدان، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۳۷.

می‌گیرد، کمتر تردیدی به زیان‌دیده نسبت به طرح دعوی مسئولیت مدنی می‌دهد.<sup>۱۹</sup>

۲. رابطه میان زیان‌دیده و مسئول حادثه در پاره‌ای موارد، سبب انصراف از طرح دعوا می‌شود. خویشاوندان، دوستان و... از مطالبه زیان چشم پوشی می‌نمایند و طرح دعوا را غیراخلاقی می‌دانند. در مواردی نیز اعسار مسئول حادثه، صرف‌نظر از کمیت زیان، طرح دعوا را لغو جلوه می‌دهد و زیان‌دیده، عطای آن را به لقایش می‌بخشد.<sup>۲۰</sup> وضعیت مشابه در مواردی است که کسی به قصد احسان و به رایگان عمل مفیدی را به سود قربانی زیان انجام می‌دهد و از این امر خسارتی به او وارد می‌گردد. در این مورد مسئول شناختن کسی که به قصد احسان و به رایگان دیگری را با اتومبیل خود به مقصد رسانده، از نظر اخلاقی، گران و از دیدگاه حقوقی دشوار است (هل جزاء الاحسان الا الاحسان) ولی، همینکه پای بیمه به میان می‌آید، مسأله بدین ترتیب طرح می‌شود که آیا این سرنشین اتومبیل نیز مانند سایر مسافران، شایسته حمایت اجتماعی به وسیله بیمه هست یا نه؟ و طبیعی است که پاسخ آن با فرضی که صاحب اتومبیل مسئول قرار می‌گیرد تفاوت می‌کند.<sup>۲۱</sup> مازوها در این مورد می‌گویند همینکه عامل زیان بیمه باشد، تمام تردیدها و وسواسها محو می‌گردد، زیرا این بیمه‌گر است که نهایتاً تمام نتایج زیان را متحمل خواهد شد. اغلب موارد، بیمه‌گذار خود از زیان‌دیده می‌خواهد که علیه او طرح دعوا نماید. دعوی که علیه والدین و دوستان در زمینه حوادث اتومبیل طرح می‌شود و حال آنکه سوار نمودن صدمه دیده، از روی لطف و مهربانی بوده است، جز بیمه نمی‌تواند منشأ دیگری داشته باشد. وجود بیمه، همیشه تردید را در درخواست خسارت منتفی می‌کند و محاکم نیز متمایل هستند که نسبت به دعوی، به صورت زیادی حکم به جبران خسارت دهند و این دعوی را بپذیرند.<sup>۲۲</sup>

۳. بیمه‌گر در مواردی، موجه یا غیرموجه، از پرداخت خسارت به زیان‌دیده امتناع می‌کند. در این موارد زیان‌دیده ناگزیر از طرح دعوا علیه وی می‌باشد. اگر این وضعیت با موردی که زیان‌دیده ناگزیر از طرح دعوایی مشابه علیه مسئول اصلی حادثه باشد جمع گردد، تزاید دعوی به روشنی مشخص می‌شود.

۱۹ ناصر کاتوزیان، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری، ج ۱، مسئولیت مدنی، ص ۳۹.

۲۰ میشل لوراسا، پیشین.

۲۱ ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۴۲.

22 Henri Mazeaud et Ilon, *op. cit.*, p. 13.



## ۲. موقعیت بیمه‌گر

مطابق ماده ۳۰ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶، بیمه‌گر پس از پرداخت خسارت به زیان‌دیده، به قائم‌مقامی بیمه‌گذار حق خواهد داشت برای مبالغی که پرداخته به مسؤل حادثه مراجعه کند. قائم‌مقامی بیمه‌گر به دور از هرگونه رابطه عاطفی یا دوستانه... بوده و نوعی الزام قانونی نسبت به طرح دعوا علیه مسؤل، او را به طرح آن مکلف می‌کند. زیرا وجوه عمومی، قابلیت صلح به دلیل روابط شخصی را نداشته و خسارت در هر حال باید به بیمه‌گر پرداخت گردد.

## ۳. موقعیت مسؤل حادثه

مسؤل حادثه، پوشش بیمه را تحصیل نموده است و همین امر باعث می‌گردد، چهره دعاوی مسؤولیت مدنی با دیدن منبع پردرآمد بیمه، گلگون شده و اشتیاق طرح آن در دل هر زیان‌دیده‌ای به وجود آید. صاحبان حرف خطرناک و وسایل حادثه‌زا برای عدم رویارویی با خسارت غیرقابل پیش‌بینی و هنگفت، اقدام به بیمه نمودن مسؤولیت خود می‌کنند. اما استفاده از این شیوه می‌تواند آنها را از اعمال مراقبت درست و متناسب با رفتار معقول و متعارف باز دارد و سبب شود کمتر از خطا پرهیز کنند.<sup>۲۳</sup> مازوها در این مورد می‌گویند ما در یک دور باطل قرار داریم؛ توسعه بیمه مسؤولیت مدنی، سبب افزایش مسؤولیت شده است و این افزایش، همه کسانی را که به فعالیت‌های خطرناک دست می‌زنند، به بیمه کردن خود تحریک می‌کند، بیمه مسؤولیت مدنی، سبب ظهور انواع خاصی از دعاوی مسؤولیت شده که سابق بر آن وجود نداشته است. در بسیاری نظامها، حوادث رانندگی، کار و مؤسسات تولیدی تحت پوشش بیمه اجباری قرار دارند. تعهد به بیمه نمودن مسؤولیت، امری قانونی است و ضمانت اجرای تخلف از انجام این تعهد در مواردی جریمه نقدی و نظایر آن می‌باشد. اما در مواردی می‌توان علیه مسؤل حادثه به دلیل بیمه نکردن خود و نتیجتاً محروم نمودن زیان‌دیده از امتیازات آن، اقامه دعوا نمود. برخی دعاوی در آمریکا، براساس قصور در تکلیف بیمه نمودن اقامه شده‌اند. در یکی از این دعاوی<sup>۲۴</sup> که به دلیل صدمات ناشی از مسابقه فوتبال، علیه مدرسه‌ای که خواهان، عضو تیم آن بود طرح گردیده، دادگاه به دلیل فقدان رابطه سببیت میان ترک فعل خواننده (بیمه نکردن) و زیان وارده، از صدور حکم به سود خواهان امتناع

<sup>۲۳</sup> ناصر کاتوزیان، پیشین، صص ۳۹ و ۶۰۲.

<sup>۲۴</sup> Wicina v. Strecker 1987.

نمود.<sup>۲۵</sup> این در حالی است که در دعوی دیگری<sup>۲۶</sup>، به دلیل امکان دستیابی به بیمه مسؤولیت مدنی، خواننده دعوا محکوم به جبران خسارت می‌گردد و البته وضعیت دعاوی فوق شبیه به یکدیگر بود.

### فصل دوم: دعوی مستقیم: مفهوم، مبانی و فلسفه وجودی آن

نظم حاکم بر روابط حقوقی، اقتضای استفاده از فنون و تکنیکهای شناخته شده علم حقوق در جای مناسب خود را دارد. از این دیدگاه لازم است لباس مناسب، قامت حقوق و تکالیف اشخاص پوشیده شود و کلیه حقوق در مسیری صحیح اعمال گردد. برای حفظ حقوق زیان‌دیده در برابر متعهد، باید به طرح دعوی صحیح اقدام نمود و برای این منظور، چند دعوی مختلف در نظر گرفته شده است. دیگران نظم حاکم بر هر یک را تدوین نموده‌اند و هنگام اقتباس لازم است عناصر مثبت را جذب و به اصلاح عناصر نامناسب آن پرداخت. اصولاً دعوی متداول در حقوق مسؤولیت مدنی، برای زیان‌دیده مورد استفاده است. اما در کنار این دعوا، می‌توان به سه دعوی دیگر اشاره کرد: ۱. دعوی غیرمستقیم<sup>۲۷</sup>، ۲. دعوی مستقیم<sup>۲۸</sup>، و ۳. دعوی ابطال تصرفات صوری و با انگیزه فرار از دین.<sup>۲۹</sup> هر یک از این دعاوی در نظریه عمومی تعهدات به تفصیل مورد بحث قرار گرفته‌اند<sup>۳۰</sup> و ما در این قسمت، به فراخور بحث، از قواعد آنها برای تحلیل دعوی مستقیم که هدف عمده ما را تشکیل می‌دهد کمک می‌گیریم. به همین دلیل در گفتار اول به بررسی مبانی و مفهوم دعوی مستقیم و تطبیق آن با سایر دعاوی می‌پردازیم و گفتار بعدی را به آثار و احکام دعوی مستقیم اختصاص می‌دهیم.

<sup>۲۵</sup> والتر تی جامپیون جونیور، *مبانی حقوقی ورزشها، مسؤولیت مدنی در ورزش*، ترجمه حسین آقایی‌نیا، تهران، نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۴۴.

<sup>۲۶</sup> Larson v. Independent School Dist [1979].

<sup>۲۷</sup> l'action oblique.

<sup>۲۸</sup> l'action directe.

<sup>۲۹</sup> l'action paulienne.

<sup>۳۰</sup> ناصر کاتوزیان، *نظریه عمومی تعهدات*، تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۵، صص ۳۵۲ الی ۳۸۷.  
Boris Starck, *Droit civil, Obligations*, Paris, Librairies Technique, 1<sup>ère</sup> édition, 1972, pp. 775 et s.

### گفتار اول: مفهوم و مبانی دعوای مستقیم

دعوای مستقیم در حقوق بسیاری کشورها، امری مرسوم تلقی می‌شود و قواعد آن در پرتو تاریخ تطور آن، منسجم شده است. حقوق فرانسه، در این زمینه، غنی و متکی بر رویه‌ای منسجم و ۹۰ ساله می‌باشد. بنابراین ما به تحولات این دعوا در حقوق فرانسه توجه خواهیم داشت.

#### مبحث اول: مفهوم دعوای مستقیم و تمایز آن از دیگر دعوای

##### الف: شناخت دعوای مستقیم

مهارت و ابتکار حقوقدانان در زمینه یافتن شیوه‌های جدید دعوای مسؤولیت مدنی، در قالب عناوین تازه، جبران خسارت زیان‌دیده را تسهیل نموده است. در ابتدا با توجه به ماهیت و میزان آن، اصولاً امکان تحقق این قبیل دعوای تصور نمی‌گشت.<sup>۳۱</sup> اصطلاح دعوای مستقیم یادگار دورانی است که نویسندگان حقوقی بین حق و دعوا تفاوت نمی‌گذارند و آن دو را چهره‌های گوناگون یک حقیقت می‌پنداشتند. مظهر اعمال حق طلبکار تنها امکان اقامه دعوا بر مدیون خود نیست و باید آن را کنایه از وجود حقی دانست که طلبکار به گونه‌ای مستقیم بر او پیدا می‌کند. قید «مستقیم» نیز نشانه آن است که موضوع حق بدون انتقال به دارایی مدیون واسطه، یکسره به دارایی طلبکار می‌رود... پس در تعریف دعوای مستقیم می‌توان گفت: «حقی است که طلبکار بدون واسطه بر مدیون بدهکار خود پیدا می‌کند.»<sup>۳۲</sup> بنابراین در این دعوا شخصی که از دیگری طلبکار است، می‌تواند علیه بدهکار او طرح دعوا کند و اعمال حق خود را به صورت مستقیم درخواست نماید. ویژگیهای این دعوا که مصداق بارز آن «دعوای زیان‌دیده علیه بیمه‌گر» می‌باشد بدین شرح است:

۱. خواهان در این دعوا، حق را به سود و به نام خود اعمال می‌کند، چنانکه گویی خود از خواننده دعوا طلبکار است: برای مثال، در فرضی که مالک اتومبیل خسارت دیده، به بیمه‌گر مسؤول رجوع می‌کند، سخن او این نیست که حق بیمه‌گذار را به دلیل وقوع حادثه از او می‌گیرد، او حق خویشتن را مطالبه می‌کند و بیمه‌گر را محل جبران زیان و مدیون به آن می‌بیند.

۲. مالی که از خواننده گرفته می‌شود (موضوع حق) بی‌واسطه به دارایی طلبکار

<sup>31</sup> Andri Tunc, *International Encyclopedia of comparative law*, vol. XI, torts, p. 3.

<sup>32</sup> ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۳۷۳.

می‌رود و از دسترس طلبکاران مدیون واسطه، دور می‌ماند. دعوی مستقیم امتیازی برای طلب محسوب می‌شود. ولی موضوع این امتیاز، حق تقدم بر سایر طلبکاران بدهکار نیست، زیرا او از رده طلبکاران خارج می‌شود و فارغ از رقابت در رده بندی امتیاز آنان بر یکدیگر، طلب را از بدهکار مدیون به طور مستقیم می‌گیرد.<sup>۳۳</sup>

با توجه به اصل نسبی بودن روابط حقوقی و نظر به فقدان رابطه‌ای که منشأ این دعوا میان طلبکار و مدیون بدهکار باشد، می‌توان گفت که این دعوا جنبه استثنایی دارد و جز در موارد تجویز شده به وسیله قانون یا عرف مسلم در حکم قانون، میسر نیست.<sup>۳۴</sup> این دعوا که توسط بیمه‌های مسئولیت مدنی به سود عموم تشریح گردیده است<sup>۳۵</sup>، به زیان‌دیده حق می‌دهد که علیه بیمه‌گر طرح دعوا کند و جبران خسارت خود را بخواهد.

#### ب: چهره‌های دعوی مستقیم

در حقوق فرانسه می‌توان به دعاوی ذیل به عنوان مصادیق دعوی مستقیم اشاره داشت:<sup>۳۶</sup>

۱. به موجب ماده ۱۷۵۳ قانون مدنی، موجر حق دارد که به طور مستقیم برای دریافت اجاره‌بها به مستأجر جزء مراجعه و تا اندازه‌ای که شخص اخیر باید به موجب قرارداد اجاره دوم، اجاره بهایی پرداخت کند از او دریافت نماید. در حقوق سوئیس نیز بند ۳ ماده ۲۶۴ قانون تعهدات مبنای دعوی مستقیم قرار می‌گیرد.
۲. در ماده ۱۷۹۸ قانون مدنی به کارگران یک مقاطعه‌کار حق داده شده است که علیه کارفرمای او، تا اندازه‌ای که شخص اخیر مقابل مقاطعه‌کار، بدهکار است، جهت دریافت حقوق خود طرح دعوا کنند.
۳. ماده ۵۳ قانون ژوئیه ۱۹۳۰ در خصوص بیمه‌های مسئولیت، توسط رویه قضایی به عنوان یکی از چهره‌های دعوی مستقیم پذیرفته شده است که به موجب آن زیان‌دیده حق دارد، مستقیماً علیه بیمه‌گر طرح دعوا نماید و بیمه‌گر مکلف به پرداخت خسارت او می‌باشد.

<sup>۳۳</sup> همان.

<sup>۳۴</sup> «دعوی که ثالث زیان‌دیده علیه بیمه‌گر مطرح می‌کند برخلاف قاعده است زیرا قاعده اقتضا دارد که زیان‌دیده علیه زیان‌زننده، طرح دعوا کند». محمدجعفر جعفری لنگرودی، *دایرةالمعارف حقوق مدنی و بازرگانی*، جلد اول، تهران، ۱۳۵۵، ص ۶۷۵.

<sup>۳۵</sup> Ren) Savatier, *Du droit civil au droit public*, Paris, LGDJ, 1945, p. 275-38.

<sup>۳۶</sup> Strack Boris, *loc. cit.*

در حقوق ایران نیز می‌توان مصادیق زیر را به عنوان نمونه‌هایی از دعوای مستقیم ذکر کرد:

۱. تبصره ۱ ماده ۱۳ قانون کار مصوب ۱۳۶۷ مقرر می‌دارد «کارفرمایان موظف می‌باشند بدهی پیمانکاران به کارگران را برابر رأی مجامع قانونی از محل مطالبات پیمانکار منجمله ضمانت حسن انجام کار، پرداخت نمایند» بنابراین اگر کارفرمایی اجرای طرحی را به پیمانکار واگذار کند و از این بابت به او بدهی داشته باشد، کارگرانی که پیمانکار برای اجرای تعهد استخدام کرده است می‌توانند برای گرفتن دستمزد خود به کارفرما یا صاحبکار رجوع کنند و بدهی او را به پیمانکار بابت طلب خود بردارند.<sup>۳۷</sup>
۲. بنا بر یک نظر، ماده ۲۳۵ قانون امور حسبی نیز از مصادیق این دعواست، هر چند نظری که دعوای موضوع آن ماده را از نوع «دعوای غیرمستقیم» می‌داند، قوی‌تر به نظر می‌رسد.<sup>۳۸</sup> در این ماده می‌خوانیم «بستانکار از متوفی نیز، در صورتیکه ترکه به مقدار کافی برای ادای دین در ید ورثه نباشد می‌تواند بر کسی که او را مدیون متوفی می‌داند یا مدعی است که مالی از ترکه متوفی در ید اوست اقامه دعوا کند».
۳. دعوای زیان‌دیده علیه بیمه‌گر، نیز از مصادیق این دعواست و ما در ادامه و در عنوانی مستقل به آن می‌پردازیم.

### ج: مقایسه دعوای مستقیم و غیرمستقیم

برای شناخت دعوای غیرمستقیم توجه به نکات ذیل ضروری است<sup>۳۹</sup>:

۱. طلبکار بر طبق قاعده کلی نمی‌تواند بر «بدهکاران مدیون» به طور مستقیم طرح دعوا نماید، اما در مواردی، قانون نوعی قائم‌مقامی و نمایندگی به وی می‌دهد تا به نام و حساب مدیون اقدام به اجرای حقوق و دعوای او علیه بدهکارش بنماید. ماده ۱۱۶۶ قانون مدنی فرانسه در این زمینه مقرر می‌دارد: «طلبکاران می‌توانند همه حقوق و دعوای بدهکار خود را به استثنای آنچه که منحصراً وابسته به شخص بدهکار است، اعمال نمایند». در حقوق ایران نیز در ماده ۳۶ قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳ می‌خوانیم: «در کلیه اختیارات و حقوق مالی مدعی اعسار که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد، طلبکاران او قائم‌مقام مدعی اعسار بوده و حق دارند به جای او از اختیارات و حقوق

<sup>۳۷</sup> ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۳۷۶.

<sup>۳۸</sup> همان، ص ۳۷۵.

<sup>۳۹</sup> همان، ص ۳۵۲ به بعد. همچنین نک:

مزبور استفاده کنند».

۲. با فرض تجویز قانون برای اقامه دعوای غیرمستقیم، اعمال حقوق بدهکار توسط طلبکار، بدهکار را از اجرای حقوق خود منع نمی‌نماید، زیرا اقامه این دعوا به دنبال حجر بدهکار نیست تا به استناد آن، مانع تصرفات بدهکار در دارایی خود شد. اصل «عدم ولایت» اجازه نمی‌دهد که طلبکار، در دارایی بدهکار فعال مایشاء شود و هر اقدامی به عمل آورد.

۳. دعوای غیرمستقیم به نام و حساب بدهکار<sup>۴۰</sup> اقامه می‌شود و آنچه از پرتو این دعوا به دست می‌آید به دارایی مدیون وارد شده و متعلق حق همه طلبکاران قرار می‌گیرد. طلبکاری که عنان دعوا را به دست گرفته است، به صورت انحصاری نمی‌تواند در آنچه به دست می‌آید تصرف کند و نظم منطقی تقسیم اموال بین طلبکاران، مقرر می‌دارد که رعایت مقررات ویژه از جمله حق تقدم به عمل آید.

۴. دعوای غیرمستقیم نیاز به تحقق شرایطی نسبت به بدهکار، حقوق و دعوای قابل اعمال دارد. در مورد «بدهکار»، شرط است که اعسار و تقصیر او ثابت شود. بدون اعسار وی، هیچ دلیلی بر اعطای حق مذکور به طلبکار نخواهد بود و به همین صورت، در حالت عدم ارتکاب تقصیر و بی‌مبالاتی در اداره اموال بدهکار، دعوای غیرمستقیم رد خواهد شد.<sup>۴۱</sup> نسبت به «طلبکار» نیز، دارا بودن طلب لازم‌الاجرا و ذینفع بودن او شرط است. برای مثال رجوع از وصیت و انکار فرزند متوفی، برای طلبکار متصور نیست، زیرا طلبکار، مقدم بر همه وراثت و موصی له، سهم خود را دریافت می‌کند. «موضوع حق» نیز نباید جنبه شخصی داشته و در اختیار منحصر بدهکار باشد. مثلاً بیمه عمر و تغییر ذینفع آن، رجوع از وصیت و اخذ به شفعه و حتی هدایایی که به زوجه داده شده است، با اینکه قابل رجوع می‌باشند ولی اعمال آنها انحصاراً در اختیار بدهکار قرار دارد.

بنابراین اولاً دعوای غیرمستقیم، به نام و حساب بدهکار است حال آنکه این وصف در دعوای مستقیم وجود ندارد و خواهان حق خود را اعمال می‌کند. ثانیاً «محکوم‌به» در دعوای مستقیم متعلق به شخص خواهان است و دور از دسترس دیگر طلبکارها قرار دارد ولی دعوای غیرمستقیم منجر به بهره‌برداری جمعی طلبکاران می‌گردد. ثالثاً، در دعوای مستقیم، خواهان معادل حق خود طرح دعوا می‌نماید و نفعی در مطالبه مبلغ بالاتر ندارد. ولی این نتیجه در دعوای غیرمستقیم پذیرفته نشده و اعمال حقوق بدهکار

<sup>40</sup> la place du débiteur.

<sup>41</sup> Civ. 11 juil. 1951 et 7 mars 1956: J.C.P. 56,II,9374: Boris Starck, *op. cit.*, p. 776-7

چون در جهت منفعت جمعی اعمال می‌شود، محدودیت ندارد، هرچند خواننده دعوا با پرداخت بدهی خواهان می‌تواند او را از جرگه طلبکاران خارج و دعوا را از بین ببرد. رابعاً، ایرادات دعوای غیرمستقیم در هر زمان قابل طرح است، ولی در مقابل خواهان دعوای مستقیم، ایراداتی که بعد از ایجاد حق طرح می‌شوند و منشأ قبلی ندارند، قابل طرح نیست. خامساً، اعمال دعوای مستقیم اصولاً نیاز به تحقق وصف اعسار بدهکار ندارد. زیرا دعوای مذکور امتیازی اضافه برای طلبکار محسوب می‌شود<sup>۴۲</sup> و دلایل دیگری غیر از اعسار نیز توجیه کننده آن می‌باشد. در حقوق فرانسه نسبت به پذیرش شرط اعسار در دعوای مستقیم صراحتی وجود ندارد. استارک در این زمینه مقرر می‌دارد که در برخی موارد اعمال دعوای مستقیم، توسط قانون مشروط به تحقق اعسار بدهکار است، مانند دعوای کارگران مقاطعه‌کار علیه کارفرما، به موجب ماده ۳۰ قانون کار و در مواردی نیاز به تحقق اعسار نیست مانند رجوع زیان‌دیده علیه بیمه‌گر. اما در سایر موارد، مسأله به صورت جزئی و مصمم در نیامده و رویه قضایی نیز نسبت به این مسأله اظهاری ننموده است.<sup>۴۳</sup>

مستندات قانونی دعوای غیرمستقیم در حقوق ایران عبارتند از ماده ۳۶ قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳ ماده ۲۳۵ قانون امور حسبی، ماده ۲۷۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت<sup>۴۴</sup> مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ و ماده ۵۲۷ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱.<sup>۴۵</sup>

42 *Rpertoire Dalloz (Droit civil)*, T. I, Jurisprudence Général Dalloz, Paris, 1951, p. 370.

43 Boris Starck, *Ibid.*, p. 781.

۴۴ «شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضای هیأت مدیره و یا مدیرعامل به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل اقامه دعوا نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه کنند. در صورت محکومیت رئیس یا هر یک از اعضای هیأت مدیره و یا مدیرعامل به جبران خسارت شرکت و پرداخت هزینه دادرسی حکم به نفع شرکت اجرا و هزینه‌ای که از طرف اقامه کننده دعوا پرداخت شده از مبلغ محکوم به به وی مسترد خواهد شد و در صورت محکومیت اقامه‌کنندگان دعوا پرداخت کلیه هزینه‌ها و خسارات به عهده آنان است.»

۴۵ «ممکن است هیأت طلبکارها به استحضار تاجر ورشکسته از محکمه تحصیل اجازه نمایند که تمام یا قسمتی از حقوق و مطالبات تاجر ورشکسته را که هنوز وصول نشده به طوری که صرفه و صلاح تاجر ورشکسته هم منظور شود، خودشان قبول و مورد معامله قرار دهند در اینصورت مدیر تصفیه اقدامات مقتضیه را به عمل خواهد آورد. در این خصوص هر طلبکار می‌تواند به عضو ناظر مراجعه کرده تقاضا نماید که طلبکارهای دیگر را دعوت نماید تا تصمیم خود را اتخاذ نمایند.»

## مبحث دوم: مبانی دعوای مستقیم:

## الف: علل وجودی دعوای مستقیم

دعوای غیرمستقیم و رجوع به شخص بدهکار نیز همیشه منافع طلبکار را تضمین نمی‌نماید، زیرا از یکسو ایرادات مختلف که در هر رابطه حقوقی وجود دارد، مقابل این شخص قابل طرح می‌باشند و می‌دانیم که مطابق قاعده کلی، هیچکس نمی‌تواند بیش از آنچه در دارایی خود دارد به دیگری منتقل کند و قائم‌مقامی شخص نیز، حتی فزونتر از شخص قبلی به وجود نمی‌آورد. با فرض تحقق و طرح دعوای غیرمستقیم، حق خواهان، همیشه پرتویی از حق بدهکار خواهد بود و به هر دلیل که تعهد مدیون وی ساقط شود، مبنای دعوای غیرمستقیم نیز از بین می‌رود و دعوا ساقط می‌گردد، اما در دعوای مستقیم، بعد از ایجاد حق خواهان، این حق مصون از این عوارض باقی می‌ماند و روابط بدهکار در برابر طلبکار قابل استناد نخواهد بود. از سوی دیگر نتیجه حاصل از دعوای مستقیم، ورود محکوم‌به در دارایی طلبکار، به دور از رقابت دیگر طلبکارهاست.<sup>۴۶</sup> به همین دلیل نیز از عنوان مستقیم استفاده شده است. طلبکار به نام خود عمل می‌کند و حتی انحصاری<sup>۴۷</sup> دارد که در دارایی خواننده دعوا توقیف شده است. ظهور دعوای مستقیم از نقطه نظر تکنیک حقوقی یک پیشرفت غیر قابل انکار است و مبارزه میان حقوق قدیم و جدید که ریشه در تحول ساختار جامعه دارد، باعث حصول این پیشرفت شده است.<sup>۴۸</sup>

در کنار این امتیازات، رعایت حقوق شخص بدهکار و مدیون او نیز از دیگر مبانی و علل وجودی این دعوا محسوب می‌شود، زیرا در بسیاری از موارد که قانون حق رجوع مستقیم علیه شخص ثالث را اعطا نموده است، خواهان می‌تواند با بدهکار واسطه تبانی نموده و با فراهم آوردن مقتضیات و شرایط حصول حق خواهان، سعی در تحمیل آن بر ثالث نمایند. بنابراین رعایت اصل اولیه و کلی دفاع، اقتضا دارد که ثالث، طرف دعوا قرار باشد و اداره دعوا را عهده گیرد. مثلاً در دعوای زیان‌دیده علیه شخصی که مسؤولیت خود را بیمه نموده است، اقرار این شخص، به آسانی مسؤولیت او را به دنبال دارد و از

<sup>46</sup> Nicolas Jacob, *Assurance et Responsabilité civile*, T. II, Les assurances, Paris, LGDJ, 1974, p. 251 et 252.

<sup>47</sup> droit exclusif.

<sup>48</sup> Borham Atallah, *Le droit propre de la victime et son action directe contre l'assureur de la Responsabilité*, Paris, LGDJ, 1976, p. 35; Boris Starck, *op. cit.*, p. 42.



آنجا که مسؤولیت وی در نهایت به شخص بیمه‌گر تحمیل می‌شود، حقوق شخص اخیر در معرض خطر قرار می‌گیرد. بنابراین حضور و اداره دعوا، او را نسبت به اقدامات مرتکب زیان مصون نگه می‌دارد.

### ب: دعوی مستقیم در حقوق فرانسه

واژه‌های دعوی مستقیم و حق ممتاز<sup>۴۹</sup> از سوی قانونگذار مورد استفاده قرار نگرفته است. این واژه‌ها با مفاهیم خاص خود، ساخته و آفریده رویه قضایی هستند.<sup>۵۰</sup> سلوس، در رساله دکترای خود که با عنوان دعوی مستقیم<sup>۵۱</sup> تدوین شده است، می‌گوید که نباید ریشه و منشأ دعوی مستقیم را در حقوق قدیم فرانسه جستجو نمود و حتی در زمان تدوین قانون مدنی فرانسه نیز نباید به دنبال آن بود. نویسندگان دیگر اضافه می‌کنند که حتی در حقوق روم این دعوا وجود ندارد و دعوی که با عنوان (action directa) در آن حقوق مطرح است، با مفهوم دعوی مستقیم فعلی متفاوت می‌باشد. دکترین و مفسرین قرن ۱۹ قانون مدنی رویه قضایی را به شکل‌گیری و تدوین دعوی مذکور هدایت نمودند. اولین شخصی که واژه دعوی مستقیم را به کار برد، «دورانتون» بود. وی در کتاب خود و پس از تدوین ماده ۱۱۶۶ قانون مدنی به آن اشاره می‌کند.<sup>۵۲</sup> دمولومب نیز در کتاب خود، دعوی مستقیم را که می‌توان علیه بیمه‌گر اقامه نمود بررسی و تأیید کرده است.<sup>۵۳</sup> از این زمان، دکترین برای تدوین و یافتن مبنای دعوی مستقیم کوشید و با به عهده گرفتن مسؤولیت آن، رویه قضایی را به حرکت درآورد و در اواسط قرن ۱۹ بود که با گسترش آرای صادره در خصوص این دعوا، با ماهیتی روشن و منسجم مواجه شدیم. دعوی با مبنای نو به دنیا آمد که بنیان آن را آرای محاکم تشکیل می‌دادند. در همین زمان، شرکتهای بیمه نیز سعی در تشویق به پذیرش این دعوا از سوی نظام حقوقی می‌نمایند؛ طلبکاران «وثیقه‌هایی» که بیمه بودند یا مالکین اموال غیر منقول که مستأجر آنها بیمه بود، علیه بیمه‌گران اقامه دعوا می‌کردند و بیمه‌گران پس از جبران خسارت اشخاص مذکور، جایگزین مالکین می‌شدند.<sup>۵۴</sup>

<sup>49</sup> droit propre.

<sup>50</sup> Atallah Borham, *op. cit.*

<sup>51</sup> M. Solus, *Les actions directes*, Paris, Thèse, 1914, p. 60.

<sup>52</sup> Duranton, *Traité des contrats et obligations*, T. II, 1819, p. 34.

<sup>53</sup> Demolombe, *Cours du code Napoléon*, t. XXV, no. 134, p. 135 et s.

<sup>54</sup> Borham Atallah, *op. cit.*, p. 37.

در قانون ۱۹ فوریه ۱۸۸۹، مالکین و همسایگان ملک غیرمنقول، برای جبران خسارت خود از بیمه‌گر، دارای حق و امتیازی خاص بودند و بیمه‌گر نمی‌توانست خود را از این تعهد مصون نگهدارد مگر اینکه خسارت را به زیان‌دیده رسانیده باشد.<sup>۵۵</sup> به عبارت دیگر، این حق برای کسانی بود که علیه بیمه‌گر به صورت مستقیم و به خواسته پرداخت خسارت طرح دعوا می‌کردند.<sup>۵۶</sup> پلینول در مورد قانون ۱۸۸۹ اعلام می‌نمود که، زیان‌دیده از یک آتش سوزی که مستأجر یا همسایه او مسئول آن هستند، یک حق واقعی که مقدم بر طلب سایر طلبکاران شخص مسئول است، دارد.<sup>۵۷</sup> بنابراین، قانون ۱۸۸۹ و رأی ۱۹۱۱ مقدمه دعوای مستقیم و حق انحصاری شدند و این حرکت ادامه یافت تا اینکه نوبت به قانون ۲۸ مه ۱۹۱۳ رسید و بند هشتمی به ماده ۲۱۰۲ قانون مدنی اضافه کرد. در این ماده از طلبهای ممتاز یاد شده بود. به موجب بند هشتم «طلبهایی که به دلیل تصادف، به سود زیان‌دیدگان ثالث و یا قائم‌مقام قانونی آنها نسبت به جبران خسارت می‌باشد و به موجب قرارداد بیمه، مورد قبول بیمه‌گر است یا از حیث قانونی مسئول آنها شده است. هیچگونه پرداختی به بیمه‌گذار، بیمه‌گر را تا اندازه‌ای که طلبکاران مقدم در وصول خسارت ذینفع هستند، معاف نمی‌کند». این متن به صراحت بیان می‌کند که پس از خسارت، هیچ پرداختی بیمه‌گر را مبرا نمی‌کند هرچند به بیمه‌گذار پرداخت شده باشد مگر آنکه به زیان‌دیده پرداخت شود. رویه قضایی همانند موردی که به دلیل بیمه خطرات اجاره و رجوع همسایگان، مقرر شده بود، چنین استنباط کرد که زیان‌دیده حق یک دعوای مستقیم علیه بیمه‌گر خواهد داشت.

در سال ۱۹۱۱ دیوانعالی فرانسه بدون اینکه توجیهی داشته باشد پذیرفت که مؤجر حق دارد دعوای مستقیمی را علیه بیمه‌گری که مسئولیت ناشی از حوادث مدت اجاره را تضمین کرده بود، طرح کند.<sup>۵۸</sup> پلینول در شرح این رأی و پس از تطبیق با وضعیت طلبکاران وثیقه‌های غیرمنقول و مالکین و همسایگان ملک و تحلیل آنها، از اختصاص داشتن یک حق خاص و منحصر و دعوایی مستقیم به صورت امری نسبتاً طبیعی یاد می‌کند.<sup>۵۹</sup>

<sup>55</sup> cass. civil, 17 juillet 1911. D.P.1912.1.81, Nicolas Jacob, *op. cit.*

<sup>56</sup> Henri Mazeaud, *Traité théorique et pratique de la Responsabilité civile d'licite et contractuelle*, t. 3, Librairie de Recueil Sirey, 4<sup>ème</sup> édition, 1950, pp. 892-3.

<sup>57</sup> Borham Atallah, *op. cit.*

<sup>58</sup> Cass. civ. 17 juil 1911, D.P.1912.181, note Marcel Planiol.

<sup>59</sup> Borham Atallah, *op. cit.*, p. 40.

تصویب قانون بیمه مورخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۳۰ دکتین و رویه قضایی را به استنباطی دلخواه از متن ماده ۵۳ آن تشویق نمود و جای خالی دعوی مستقیم در قوانین، توسط رویه قضایی از دل این ماده بیرون کشیده شد.<sup>۶۰</sup> به موجب این ماده «بیمه‌گر نمی‌تواند تا اندازه‌ای که شخص ثالث زیان‌دیده درگرفتن خسارت ذینفع است، نسبت به پرداخت همه یا بخشی از بدهی خود که معادل بخشی است که از فعل زیانبار عهده بیمه‌گذار قرار گرفته است، جز به شخص زیان‌دیده ثالث اقدام کند».

### ج: ماهیت دعوی مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه

۱. مبنای این دعوا نوعی شرط به سود ثالث است و بنابراین دعوایی قراردادی محسوب می‌شود که در آن به دلیل ایجاد حقی از سوی بیمه‌گذار به سود اشخاص ثالث در قراردادی که بیمه‌گذار با بیمه‌گر منعقد می‌کند، اجازه طرح دعوا به ثالث را می‌دهد.<sup>۶۱</sup> این تئوری توسط ژوسران ارائه شد. تصور وی این بود که بیمه‌گذار یک شرط ضمنی را به سود زیان‌دیده مقرر نموده است، زیرا قرارداد بیمه ابتدائاً و اصولاً به سود بیمه‌گذار مقرر می‌شود و در درجه دوم متعلق حق زیان‌دیده است.

این نظریه در رویه قضایی فرانسه، مخصوصاً دادگاههای تالی بازتاب داشت و حتی به خارج از فرانسه نیز نفوذ می‌کند و در مصر پذیرفته می‌شود اما ساختار حقوقی دعوی مستقیم و حق زیان‌دیده را به صورت کامل بیان نمی‌کند و مخصوصاً هیچ توجیهی برای غیرقابل استناد بودن ایرادات در مقابل زیان‌دیده ندارد. می‌دانیم که ایجاد مستقیم حق به سود ثالث این واقعیت را تغییر نمی‌دهد که منبع آن قرارداد است، بنابراین، حق در صورتی ایجاد می‌شود و استقرار می‌یابد که قرارداد اقتضا داشته باشد. در دعوی منتفع بر متعهد، خوانده می‌تواند ایرادهای ناشی از عدم نفوذ قرارداد را در برابر خواهان عنوان کند و آن را مستند بی‌حقی او قرار بدهد.<sup>۶۲</sup> برخی برای توجیه این امر می‌گویند که از زمان حادثه، چنین فرض می‌شود که زیان‌دیده با قبول شرط مذکور، امکان استناد ایرادات را مقابل خود نفی می‌کند، و از این زمان، حق زیان‌دیده، خاص و ممتاز می‌شود.

<sup>60</sup> Nicolas Jacob, *op. cit.*, p. 251; Henri Mazeaud, *op. cit.*, p. 895.

<sup>61</sup> Toulouse, 8 oct. 1928 et Paris, 26 dec. 1929. D.P.1930.2.1; Alger, 12 nov. 1930. D.H.1931.89, Lyon, 28 dec. 1934. D.H. 1935.189, Dalloz 1951, *R/pertoire de Droit civil*, t. I, Jurisprudence Générale Dalloz, Paris, 1951, p. 370. Nicolas Jacob, *op. cit.*, p. 252. Cass. civ. 30 oct 1906, D. 1908. 365.

<sup>62</sup> ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۴۱۶.

اما این توجیه پذیرفته نشد و حق زیان‌دیده به خودی خود نتوانست سبب تقویت شود زیرا ویژگی‌های آن هیچ شباهتی با حق ایجاد شده از طریق شرط به سود ثالث نداشت.<sup>۶۳</sup>

۲. دومین نظریه، نمایندگی ناقص<sup>۶۴</sup> بود. این نظریه که با توجه به مواد ۱۲۷۵ و ۱۲۷۶ قانون مدنی فرانسه ارائه شد، از اولین تحلیل‌ها برای دعوای مستقیم به شمار می‌آید<sup>۶۵</sup> و در سال ۱۹۱۱ به وسیله پلنیول تدوین گردید. پلنیول معتقد بود که مالک مال غیرمنقولی که آتش گرفته است، به مثابه نماینده قانونی است که با اقامه دعوا علیه بیمه‌گر، مستأجر ملک را به جهت خطرات تجاری بیمه شده تضمین می‌کند. این تحلیل که بر پایه قانون ۱۹ فوریه ۱۸۸۹ پی‌ریزی شده است، به جبران خسارت زیان‌دیده (مالک ساختمان) از سوی بیمه‌گر می‌پرداخت. در این قانون صحبت از دلگاسیون نشده است و به دلیل عدم تصریح به «نمایندگی ارادی» است که پلنیول از آن به «نمایندگی قانونی» یا نمایندگی ضمنی، مطابق آنچه رویه قضایی اعمال می‌کرد، یاد می‌کند. ایراد این تحلیل این است که قانون ۱۸۸۹ در مقام بیان دلگاسیون و قواعد آن نبوده است و منظور قانون تشویق سردفتران به اینکه عادت نمایند که شرط انتقال طلب و حقوق به طلبکاران را در اسناد مربوطه درج نمایند بوده است. بنابراین موضوع آن قانون، انتقال طلب بود. اشتباه میان انتقال طلب با دلگاسیون سبب شده بود که همه اقدامات در جهت تحلیل و توجیه دعوای مستقیم در نظریه مذکور به شکست انجامد.<sup>۶۶</sup>

۳. ماهیت این دعوا را باید ناشی از قانون و تعهدات قانونی دانست. قانون بیمه‌گران را مکلف به حمایت زیان‌دیده و حفظ طلب بیمه‌گذار به سود او می‌کند. بنابراین دعوای مستقیم نوعی دعوای قانونی تلقی می‌شود نه قراردادی. هدف قانون بلوکه کردن طلب است و مکانیسم این امر، همان توقیف طلب ثالث است (Saisie-arrêt) ولی تفاوتی که میان آن با سایر موارد مشابه وجود دارد این است که توقیف طلبی است به سود یک طلبکار نه هیأت طلبکاران و به همین دلیل، حق انحصاری زیان‌دیده نیز حیات وجودی

<sup>63</sup> Borham Atallah, *op. cit.*, p. 55; Nicolas Jacob, *op. cit.*, Paris. 5 juin 1930, Rev. gn. ass. terr, 1930, 1094; Colmar 14 decembre 1937, Rev. gn. ass. terr, 1937. 265.

<sup>64</sup> Trib. civ. Nantes. 22 fevr. 1928. Rec. 1930.2.121. note Guyot. Aix 27 decembre. 1935. D.H. 1936. 185, Dalloz, 1951, *op. cit.*, p. 570.

<sup>65</sup> Picard et Besson, *Traité général des assurances terrestres*, t. III, Paris, 1983, p. 566. Borham Atallah, *op. cit.*, p. 56.

<sup>66</sup> Nicolas Jacob, *op. cit.*, Dalloz, 1951, *op. cit.*, cass. civ. 28 mars 1939. Rev. gn. ass. terr. 1939. 285; Borham Atallah, *op. cit.*, pp. 57-58.

خود را از این راه پیدا می‌کند.<sup>۶۷</sup> قانونی بودن دعوی مستقیم مانع از ارتباط با قرارداد بیمه نخواهد بود بلکه مبلغ از پیش تعیین شده در قرارداد مذکور است که عهده بیمه‌گر قرار می‌گیرد. این مبنا فعلاً مورد پذیرش دیوان کشور فرانسه قرار گرفته است. برطبق دکترین دیوان کشور، حقوق انحصاری زیان‌دیده، مبنای خود را نه در قرارداد بیمه و نه در اراده طرفین قرارداد می‌بیند، بلکه از قانون ناشی می‌شود و در حقیقت به وسیله مواد ۲۱۰۲ تا ۲۱۰۸ قانون مدنی و ماده ۵۳ قانون ۱۹۳۰ تحمیل می‌گردد.

### د: الزامی یا اختیاری بودن دعوی مستقیم

دعوی مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر، با هدف تضمین حقوق وی می‌باشد و با این وصف هیچ الزامی برای زیان‌دیده در مورد طرح آن به وجود نمی‌آورد. اهمیت این دعوا به هر صورت که باشد، مانع طرح دعوا علیه مسؤول حادثه نمی‌شود. در عین حال، طرفین قرارداد بیمه نمی‌توانند زیان‌دیده را از طرح دعوی مستقیم محروم نمایند. در حقوق فرانسه اعمال ماده ۵۳ قانون ۱۹۳۰ مربوط به نظم عمومی است و سلب آن از زیان‌دیده اثری ندارد. خواه اثر شرط مقرر محرومیت مطلق یا نسبی و خواه ناظر به شیوه دعوا و میزان جبران خسارت باشد.<sup>۶۸</sup> در حقوق ایران هم به نظر می‌رسد مقررات قانون بیمه اجباری (۱۳۴۷) و دیگر مقررات در مورد مسؤولیت بیمه‌گر، آمره و غیرقابل تغییر است. در برخی از ایالت‌های کانادا نظیر انتاریو و مانیتوبا، طرح دعوا علیه بیمه‌گر خود الزامی است. زیان‌دیدگان حق دارند راننده مقصر را بابت زیانهای ناشی از درد و رنج و

<sup>۶۷</sup> در ایران، به موجب رأی شماره ۱۸ مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۰ هیأت عمومی شعب حقوقی دیوانعالی کشور: «بر رأی مورد تقاضای تجدیدنظر اشکال وارد است چه آنکه به صراحت کارت بیمه مستند دعوی تعهد شرکت بیمه مقید و محدود به پرداخت ارزش ریالی دیه از نوع نقره بوده است نه به طور اطلاق و یا هر نوع دیه‌ای که راننده انتخاب نماید و بر همان مبنی هم حق بیمه دریافت شده است و ماه ۱ قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب سال ۱۳۴۷ نیز بیش از این دلالت ندارد که دارندگان وسائط نقلیه موتوری مکلفند وسایل نقلیه خود را در قبال صدمات و خسارات وارده به اشخاص ثالث بیمه نمایند و با این کیفیت چنانچه بیمه‌گذار وسیله نقلیه خود را به کمتر از میزان خسارت وارده بیمه نموده باشد شخصاً مسؤول پرداخت مازاد آن می‌باشد و چون ملاک پرداخت خسارت ثالث از جانب شرکت بیمه قرارداد منعقد بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار است و قرارداد مستند دعوا مبنی بر دیه درهم (نقره) می‌باشد. علیهذا دادنامه تجدیدنظر خواسته که بر محکومیت شرکت بیمه بر پرداخت مابه تفاوت دیه پرداختی اصدار یافته مخدوش و خلاف قانون و ادله دعوا بوده...». مذاکرات و آرای هیأت عمومی دیوانعالی کشور سال ۱۳۷۷، اداره وحدت رویه و نشر مذاکرات هیأت عمومی دیوانعالی کشور، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰، ص ۴۴۵.

<sup>۶۸</sup> civ., 14 join 1926. s. 1927.1.125 et non p.esmein, D. 1927.1.57; Henri Mazeaud, *op. cit.*, p. 913.

زیان اقتصادی تعقیب کنند اما در مورد دیگر زیانها فقط حق طرح دعوا علیه بیمه‌گر خود را دارند.<sup>۶۹</sup> این دعوی که علیه بیمه‌گران «خود زیان‌دیده» طرح می‌شوند، به دعوی first-party معروف هستند<sup>۷۰</sup>، اما الزامی بودن این دعوی، ناظر به دعوی معمولی است که بیمه‌گذار علیه بیمه‌گر خود طرح می‌کند نه دعوی مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر.

## گفتار دوم: آثار و احکام دعوی مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر

### مبحث اول: مزایای دعوا

#### الف: تأثیر در وضعیت بیمه‌گر و نظام قضایی

استمرار نظام مسؤولیت مدنی اگر بدون بیمه باشد، بسیاری از زیانها را بدون جبران باقی می‌گذارد یا سبب تحمیل زیان عهده معسران و ناتوانانی می‌شود که از بد حادثه، مسبب و مقصر خسارت شده‌اند. این وضعیت در حقیقت انتقال بار بدبختی و جبران آن از دوش زیان‌دیده به مسؤول حادثه است نه تضمین داراییها. از نظر حقوقی دادگاهها در دعوی مسؤولیت در صدد محکومیت شخصی می‌باشند که بیمه است یا تکلیف بیمه را به عهده دارد. حضور بیمه‌گر در دعوی مسؤولیت، باعث می‌شود که بیمه‌گران، توجه دادگاه را به مسائل موضوعی و وقایع خارجی معطوف کنند و احکام دادگاهها را در مجرای صحیحی هدایت نمایند. بیمه‌گران، همانند خواننده حقیقی، کلیه ایرادات و موانعی را که برطبق قرارداد بیمه حق استناد دارند، ارائه می‌نمایند و حقوق آنها تضييع نخواهد شد. از سوی دیگر وقتی خود بیمه‌گر در دعوا حضور دارد، امتناع از پرداخت خسارت معنی پیدا نمی‌کند، زیرا بیمه‌گر محکوم علیه دعوا شناخته می‌شود و راهی جز پرداخت خسارت ندارد و حال آنکه در حالت فقدان حضور بیمه‌گر در دعوا اولاً راه برای اعتراض ثالث به حکم دادگاه باز است و این امر علاوه بر اطاله جریان دادرسی، در مواردی سبب امتناع از پرداخت حقوق زیان‌دیده می‌شود و در اینصورت، هیچ وسیله فنی برای محکوم کردن بیمه‌گر وجود ندارد مگر با طرح دعوی مستقل الزام به انجام تعهدات قراردادی ثانیاً اگر بیمه‌گر از پرداخت خسارت امتناع کند، محکوم به نقض اصل حسن نیت و اعتماد متقابل در روابط بیمه‌گری می‌شود که این امر سبب لطمه به شهرت مؤسسات بیمه می‌شود در حالیکه اگر همین ادعاها در دعوی مستقیم مطرح شود، مورد

<sup>69</sup> <http://www.commings.ab.ca/nofault.htm>.

<sup>70</sup> [http://www.lao.co.gov/initiatives/2000/30\\_03\\_2000.htm](http://www.lao.co.gov/initiatives/2000/30_03_2000.htm).

عنایت دادگاه قرار خواهد گرفت و حکم دادگاه تلفیقی است از اثبات مسؤلیت مسؤل حادثه (قواعد مسؤلیت مدنی) و احراز ارکان تعهدات قراردادی و قانونی بیمه‌گر که پس از صدور آن، موجبی برای مخالفت بیمه‌گر وجود نخواهد داشت.

### ب: نقش دعوای مستقیم در جبران خسارت زیان‌دیده

۱. زیان‌دیده، برای جبران خسارت خود، ناچار از اثبات مسؤلیت عامل زیان (شخص حقیقی یا حقوقی) و زمان نسبتاً طولانی برای رسیدن به مرحله قطعیت حکم است. مسؤل حادثه، بسته به اینکه بیمه باشد یا مسؤلیت خود را بیمه نکرده باشد می‌تواند «محکوم‌به» را پرداخت کند. با فرض بیمه بودن این امکان وجود دارد که بیمه‌گر به دلایلی از پرداخت حقوق وی خودداری کند، آنگاه باید به طرح دعوای دیگری اقدام کرد و از «مسؤلیت قراردادی» بیمه‌گر، برای جبران «مسؤلیت قهری» بیمه‌گذار استفاده نمود. پس نفع زیان‌دیده در این است که یا همراه با مسؤل حادثه، بیمه‌گر را نیز به دادرسی جلب کند یا به صورت مستقیم، علیه بیمه‌گر طرح دعوا نماید.

۲. حقی که در بیمه مسؤلیت مدنی برای ثالث - زیان‌دیده - به وجود می‌آید، مستقیم محسوب است که نتایج سودمند زیر را دارد اولاً زیان‌دیده حق خود را مستقیماً از طریق قرارداد بیمه مسؤلیت مدنی تحصیل می‌کند، بنابراین نسبت به بیمه‌گر، دائن محسوب می‌شود. این حق از زمان انعقاد قرارداد بالقوه وجود دارد و وقوع حادثه آن را به فعلیت می‌رساند بنابراین اگر بیمه‌گر در فاصله میان قرارداد بیمه و وقوع حادثه به هر نحو اهلیت استیفا یا تمتع خود را از دست بدهد، در حقوق زیان‌دیده تأثیری ندارد و ثانیاً چون علت ایجاد و استقرار بیمه، حفظ حقوق زیان‌دیده است، دیگر طلبکاران حقی بر آن پیدا نمی‌کنند و زیان‌دیده فارغ از رقابت با دیگران می‌تواند به وصول حقوق خود مطمئن باشد.<sup>۷۱</sup>

۳. در بسیاری از موارد، مسؤل واقعی خسارت در وضعیتی است که طرح دعوا علیه او، زیان‌دیده را دچار اشکالات عدیده می‌کند. برای مثال با فوت وی، زیان‌دیده مجبور است ابتدا ورثه او را احصا و با اخذ انحصار وراثت، مسؤلیت مورث را ثابت کند آنگاه با «دعوای قائم‌مقامی» به بیمه‌گر مراجعه کند که این خود، باعث تشدید وضعیت او خواهد بود. در این موارد بهترین راه، استفاده از دعوای مستقیم علیه بیمه‌گر می‌باشد تا

<sup>۷۱</sup> عبدالرزاق احمدالسنهوری، الوسیط، ج ۱، ترجمه محمدحسین دانش‌کیا و سیدمهدی دادم‌مرزی، انتشارات دانشگاه قم، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۴۲۳ الی ۴۲۶.

حقوق زیان‌دیده با حداقل تشریفات استیفا گردد.

۴. در ماده ۱۵ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ آمده است: «بیمه‌گذار... باید اولین زمان امکان و منتهی در ظرف پنج روز از تاریخ اطلاع خود از وقوع حادثه، بیمه‌گر را مطلع سازد والا بیمه‌گر مسؤول نخواهد بود مگر اینکه ثابت کند که به واسطه حوادثی که خارج از اختیار او بوده است اطلاع به بیمه‌گر در مدت مقرر برای او مقدور نبوده است». آیا در صورت تخلف بیمه‌گذار در اعلام به موقع حادثه که خود سبب نفی یا تقلیل تعهدات بیمه‌گر به جبران خسارت می‌شود، علاوه بر اینکه بیمه‌گذار حق رجوع به بیمه‌گر را ندارد، زیان‌دیده هم از چنین حقی محروم است و به اصطلاح ایراد اهمال یا سوء نیت بیمه‌گذار در مقابل زیان‌دیده هم قابل استناد است؟ پاسخ یکی از نویسندگان حقوق بیمه این است که در واقع فرق اساسی بین نفی پوشش بیمه به علت بطلان یا تعلیق عقد بیمه و خطای بیمه‌گذار در پی بروز حادثه وجود دارد. در مورد بطلان و تعلیق عقد بیمه یا خروج حادثه و خسارت از موارد پوشش بیمه، اصولاً تعهدی برای بیمه‌گر به وجود نمی‌آید تا بعداً به عللی منتفی گردد لذا در این موارد منطقی است که ثالث منتفع از بیمه، همچون بیمه‌گذار، حق ادعایی نسبت به بیمه‌گر نخواهد داشت ولی در محل بحث موضوع کاملاً متفاوت است. در اینجا در پی وقوع حادثه، تعهدات بیمه‌گر به جبران خسارت عینیت می‌یابد و سپس، در پی تخلف بیمه‌گذار، تعهد بیمه‌گر تقلیل یافته یا کلاً منتفی می‌شود. چنانچه برای شخص ثالث حق مستقلاً در مقابل بیمه‌گر به رسمیت شناخته شود علی‌الاصول تخلف بیمه‌گذار در مقابل بیمه‌گر، نمی‌تواند خللی به حقوق ثالث وارد کند و موجب تقلیل یا منتفی شدن حق او در جبران خسارت شود... بیمه اجباری و سایل نقلیه از مصادیق بارز ایجاد حق مستقیم برای ثالث در مقابل بیمه‌گر است و لذا در این مورد باید پذیرفت که تخلف بیمه‌گذار در اعلام وقوع حادثه خدشه‌ای به حقوق ثالث قربانی حادثه وارد نکرده و این تخلف علیه ثالث قابل استناد نیست. نهایتاً بیمه‌گر می‌تواند پس از جبران خسارات ثالث به میزانی که تخلف بیمه‌گذار موجب خسارت او شده به بیمه‌گذار مراجعه و پرداخت خسارت را از او تقاضا نماید. به نظر می‌رسد حکم فوق در مورد کلیه بیمه‌هایی که حق مستقیمی برای اشخاص ثالث ایجاد می‌نماید قابل تسری است.<sup>۷۲</sup>

<sup>۷۲</sup> ایرج بابایی، حقوق بیمه، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۱۱۷.



### ج: اثر دعوای مستقیم در حمایت از مسؤل حادثه

مسؤل حادثه رابطه‌ای بلاواسطه با زیان‌دیده دارد و مکلف به پرداخت خسارت وارده می‌باشد، ولی این تضمین برای او وجود دارد که از محل بیمه‌ای که تحصیل کرده است به جبران خسارت اقدام کند. با این حال اگر فاصله زمانی بین دو مسؤلیت به وجود آید، ممکن است خطراتی، بیمه‌گذار - مسؤل حادثه - را تهدید کند:

۱. ممکن است پس از اثبات مسؤلیت بیمه‌گذار و در هنگام مراجعه به بیمه‌گر، با ورشکستگی وی مواجه شویم. هرچند فعالیت بیمه‌های ایران زیر نظر بیمه مرکزی و به صورت دولتی عمل می‌کنند ولی چون قانون مصوب شهریور ماه ۱۳۸۰ در مورد فعالیت مؤسسات بیمه غیردولتی به تصویب رسیده است لذا از نظر منطقی و حقوقی نمی‌توان این احتمال را نادیده گرفت. اگر فاصله زمانی میان این دو محکومیت طولانی باشد و در فاصله آن، بیمه‌گر ورشکسته شود، دست بیمه‌گذار از تضمین خود کوتاه خواهد شد. طرح دعوای مستقیم می‌تواند این دو فاصله را محو کند و از محل بیمه، خسارت را جبران نمود.

۲. از آنچه راجع به نقش دعوای مستقیم در جبران خسارت زیان‌دیده بیان شد، می‌توان از آثار مفید دعوای مستقیم نسبت به مسؤل حادثه هم استفاده نمود، زیرا بنا به فرض، ایرادات پس از حدوث خسارت، در برابر زیان‌دیده قابل استناد نیست ولی در مقابل بیمه‌گذار - مسؤل حادثه - می‌توان از آن ایرادات استفاده نمود. نتیجه این است که در صورت مراجعه زیان‌دیده به بیمه‌گذار، ممکن است با اعسار وی و بیمه‌گذار هم شخصاً با ایرادات بیمه‌گر مواجه شود ولی اگر رجوع مستقیم زیان‌دیده را علیه بیمه‌گر تصور نماییم، چنین وضعیتی حادث نخواهد شد.

### مبحث دوم: اصول دعوای مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر

دعوای مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر از یکسو ریشه در دعوای مسؤلیت مدنی به معنی خاص دارد و از سوی دیگر ویژگیهای خاص این دعوا، سبب حاکمیت اصول ویژه‌ای در آن شده است. در این قسمت به قواعد عمومی دعوا و اصول ویژه آن اشاره می‌نماییم:

**الف: قواعد عام دعوا****۱. مشروط یا منجز بودن دعوا - اثبات مسؤولیت بیمه‌گذار**

مشروط بودن دعوا به این معنی است که شرط استقرار و حیات آن، لزوم اثبات مسؤولیت بیمه‌گذار می‌باشد. به عبارت دیگر، نوعی ارتباط منطقی بین دعوای مستقیم و اثبات مسؤولیت بیمه‌گذار وجود دارد به نحوی که تحقق این دعوا، بسته به روشن نمودن مسؤولیت شخص مسبب، است. اگر اثبات این مسؤولیت لازم باشد، دعوا مشروط است در غیر اینصورت دعوا، حالت منجز خواهد داشت.

البته باید دانست که مسؤولیت بیمه‌گر در هر صورت منوط به مسؤولیت بیمه‌گذار می‌باشد، زیرا بدون اثبات این مسؤولیت نمی‌توان به مسؤولیت قراردادی بیمه‌گر استناد نمود. بنابراین منظور از منجز یا مشروط بودن مسؤولیت، استقلال حقیقی دعوا و تعهدات بیمه‌گر نیست. بلکه منظور حیات این دعوا به نحوی است که آیا اساساً، دعوای مستقیم در مرتبه دوم اهمیت قرار دارد و هنگامی مورد عنایت و توجه دادگاه قرار می‌گیرد که در درجه اول به مسؤولیت مسؤل حادثه عنایت شده باشد یا این حیات، همعرض با مسؤولیت یادشده پیش می‌رود و حتی در مواردی نیازی به استقرار حقوقی آن تا زمان تعهدات بیمه‌گر ندارد؟

در برخی از کشورها دعوای زیان‌دیده علیه بیمه‌گر، اساساً شبیه دعوایی است که بیمه‌گذار (مسبب حادثه) علیه بیمه‌گر طرح می‌کند و کلیه محدودیتها و قواعد آن بر دعوای زیان‌دیده هم اعمال می‌شود. این نظر، جایگاه دعوای زیان‌دیده علیه بیمه‌گر را نوعی قائم‌مقامی بدون قید و شرط از وضعیت مسؤل حادثه می‌داند و به همین علت، حقوقی اضافه بر آنچه مسبب حادثه دارد، متوجه زیان‌دیده نمی‌گرداند. زیرا هیچ شخصی نمی‌تواند به قائم‌مقام خود، حقوقی افزونتر از خود اعطا کند. نظام حقوقی انگلیس نمونه‌ای از این دیدگاه است. دادگاههای انگلستان به گونه‌ای قانون حقوق زیان‌دیده علیه بیمه‌گر مصوب ۱۹۳۰ را تفسیر و اجرا نموده‌اند که در هیچ موردی حقوق زیان‌دیده نمی‌تواند بیش از حقوق خود بیمه‌گذار باشد و تمام ایرادات و استثنائات ناشی از عقد بیمه و روابط بیمه‌ای علیه زیان‌دیده نیز قابل استناد شناخته شده است... ولی وابستگی دعوای زیان‌دیده به موقعیت و حقوق بیمه‌گذار به افراط کشیده شده و در مواردی با پیش‌بینی شرایطی در عقد بیمه، زیان‌دیده عملاً از دعوای بیمه‌گر طرفی نخواهد بست. نمونه بارز این امر در مورد شرط «لزوم پرداخت خسارت توسط بیمه‌گذار

به زیان‌دیده جهت ایجاد تعهد بیمه‌گر در مقابل بیمه‌گذار دیده می‌شود». مطابق این شرط، که در بسیاری از بیمه‌های دریایی قید شده، بیمه‌گذار تنها در صورتی حق خواهد داشت برای اخذ مبلغ بیمه به بیمه‌گر مراجعه کند که نه تنها مسئولیت او در مقابل ثالث، ثابت شده باشد بلکه خسارت را به زیان‌دیده پرداخته باشد. مجلس لردهای انگلستان در دو دعوا تصریح نمود مادام که بیمه‌گذار خسارت زیان‌دیده را پرداخت ننموده حق مراجعه به بیمه‌گر وجود نخواهد داشت. این مرجع عالی از آنجا که دعوای مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر را به عنوان قائم‌مقامی از سوی بیمه‌گذار می‌داند، دعوای زیان‌دیده علیه بیمه‌گر را به علت عدم تحقق شرط مذکور و ایجاد نشدن حق مراجعه بیمه‌گذار علیه بیمه‌گر رد نمود.<sup>۷۳</sup> این ارتباط در حقوق کشورهای دیگر نظیر فرانسه با این شدت دیده نمی‌شود. در حقوق فرانسه، در موردی که هنگام وقوع فعل زیانبار و حدوث مسئولیت بیمه‌گذار و به تبع آن بیمه‌گر، تعهدات بیمه‌گر کامل است ولی متعاقباً با اعمال بیمه‌گذار، طبق قرارداد بیمه، این مسئولیت و تعهدات زائل می‌شود. زوال تعهدات در مقابل زیان‌دیده قابل استناد نیست. برای مثال اگر طبق قرارداد شرط شده باشد که عدم اعلام وقوع حادثه و آگاهی نرساندن آن به بیمه‌گر، باعث رفع مسئولیت بیمه‌گر می‌شود، این شرط در مقابل زیان‌دیده قابل استناد نخواهد بود.<sup>۷۴</sup>

در حقوق ایران، می‌توان نوعی قائم‌مقامی زیان‌دیده را در دعوای او علیه بیمه‌گر ترسیم نمود. پس از وقوع زیان، رابطه و حق مستقیمی بین زیان‌دیده و بیمه‌گر ایجاد می‌شود و همین رابطه، مبنای تحلیل قواعد دعوا خواهد شد. بنابراین ۱. التزام [بیمه‌گر] محدود به همان بدهی است، هرچند که حق خواهان بیشتر از آن باشد...<sup>۳</sup> خواننده [بیمه‌گر] می‌تواند هر ایراد و دفاعی که در برابر طلبکار مستقیم خود دارد، در مقابله با دعوا نیز استفاده کند، مگر دفاعی که سبب آن بعد از ایجاد حق مستقیم به وجود آمده باشد (مانند تهاثر یا مالکیت مافی‌الذمه بعد از حق مستقیم)<sup>۷۵</sup> در عین حال این قائم‌مقامی، همچنانکه اشاره شد باید به سود زیان‌دیده تفسیر شود و بنابراین طرفین بیمه، حق ندارد رجوع مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر را با درج شرط، ساقط کنند. نه تنها این امر با حقوق مبتنی بر نظم عمومی زیان‌دیده در تعارض است بلکه اگر تصور ایجاد حق مستقیم را در مقررات موضوعه برای زیان‌دیده داشته باشیم، ساقط کردن آن خلاف

<sup>۷۳</sup> ایرج بابایی، پیشین، صص ۱۸۸ الی ۱۸۹.

<sup>۷۴</sup> همان، ص ۱۹۰.

<sup>۷۵</sup> ناصر کاتوزیان، نظریه عمومی تعهدات، ص ۳۷۴.

اصول حقوقی است. زیرا نوعی دخالت در دارایی دیگران محسوب می‌شود.

## ۲. صلاحیت دادگاه

مطابق ماده ۱۱ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی «دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده، در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد». ماده ۱۶ این قانون هم بیان می‌دارد «هرگاه یک ادعا راجع به خوانندگان متعدد باشد که در حوزه‌های قضایی مختلف اقامت دارند... خواهان می‌تواند به هر یک از دادگاههای حوزه‌های یادشده مراجعه نماید» با توجه به طبع دوگانه دعوای زیان‌دیده علیه بیمه‌گر که در آن بیمه‌گر، در حدود قرارداد بیمه، مسئول حادثه به دلیل مسئولیت فهری بوده پاسخگو می‌باشد، باید کدامیک از آنها را محور تعیین صلاحیت در نظر گرفت.

از یکسو می‌توان اشاره نمود که بار عمده دعوا به دلیل مسئولیت بیمه‌گذار (عامل زیان) می‌باشد و بنابراین اقامتگاه وی مبنای عمل خواهد بود زیرا علت دعوا، شرایط عمده دعوا و میزان محکوم‌به، به صورت عمده، تابع مسئولیت بیمه‌گذار می‌باشد و اگر به بیمه‌گر مراجعه می‌شود برای استفاده از تضمین پرداخت است نه رجوع مستقل. بنابراین بیمه‌گر حالت انفعالی خواهد داشت و نقش فعال دعوا با زیان‌دیده و بیمه‌گذار است. از طرفی می‌توان به ماده ۱۶ قانون یادشده نیز استناد نمود و با این استدلال که زیان‌دیده حقی از دو جانب به دست آورده که مربوط به خوانندگان متعدد است لذا حق انتخاب محل طرح دعوا را دارد. (ماده ۱۶ مقرر می‌دارد: هرگاه یک ادعا راجع به خوانندگان متعدد باشد که در حوزه‌های قضایی مختلف اقامت دارند... خواهان می‌تواند به هر یک از دادگاههای حوزه‌های یادشده مراجعه کند.)

اما این دو نظر صحیح نیست و بهتر است محل طرح دعوا را اقامتگاه بیمه‌گر در نظر آوریم. امروزه دعوای زیان‌دیده علیه بیمه‌گر حالت مستقلی به دست آورده و نقش بیمه‌گر، هدایت‌کننده و مجری آن می‌باشد. این بیمه‌گر است که محکوم می‌شود و بار دعوا در درجه اول متوجه اوست. مسئول حادثه از جریان دعوا طرفی بر نمی‌بندد یا نقش او در مقایسه با بیمه‌گر کم رنگ جلوه می‌کند. به همین دلیل باید به بیمه‌گر به عنوان «خواننده اصلی» توجه نمود که «خواننده فرعی» را در خود جذب خواهد نمود و مفاد ماده ۱۶ را نیز بر این اساس تفسیر نمود. این امر منافع بیمه‌گر را نیز حفظ می‌کند و حداقلی از تعادل میان وضعیت وی و سایرین به وجود می‌آورد.

### ب- اصول ویژه حاکم بر دعوای مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر

#### ۱. ممنوعیت اقرار به مسؤولیت از سوی بیمه‌گذار<sup>۷۶</sup> (مسئول حادثه)

نقش اقرار در جریان دعوای مدنی مهم است و می‌توان، به طور غالب آن را قاطع دعوا دانست. اقرار در این دعوای موضوعیت دارد و خود بخود قابل توجه می‌باشد. اما در دعوایی که زیان‌دیده علیه بیمه‌گر طرح می‌نماید و بیمه‌گذار نیز در آن دخالت دارد، اقرار به مسؤولیت از سوی مسئول حادثه (بیمه‌گذار) قابل پذیرش نیست. منطق حاکم بر این ممنوعیت به این امر برمی‌گردد که چون مسؤولیت پرداخت، عهده بیمه‌گر است و بیمه‌گذار عملاً سهمی در این میان ندارد، لذا برای اجتناب از تبانی متقابلانه میان بیمه‌گذار و زیان‌دیده و قرارداد غیرقانونی تکلیف پرداخت عهده بیمه‌گر و ضربه به بنیان و شالوده بیمه و سوء استفاده از حق، هرگونه اقراری از سوی بیمه‌گذار در جریان یا قبل از دادرسی را نسبت به بیمه‌گر بدون اثر می‌دانند.<sup>۷۷</sup>

۱. در کلیه بیمه‌نامه‌ها، این شرط قید می‌شود که بیمه‌گذار از هرگونه اقراری به مسؤولیت ممنوع می‌باشد. این امر، مورد عنایت قانونگذار نیز قرار گرفته و مثلاً در ماده ۵۲ قانون ۱۹۳۰ فرانسه آمده است: «بیمه‌گر می‌تواند شرط نماید که هیچگونه اقرار به مسؤولیت یا سازش و مصالحه، بدون دخالت و حضور وی از سوی بیمه‌گذار، مقابل او قابل استناد نخواهد بود» البته مطابق یک نظر، این شرط باید به صراحت در قرارداد بیمه ذکر شود و ظاهر ماده ۵۲ نیز آن را تأیید می‌کند.<sup>۷۸</sup> در حقوق ایران با استفاده از روح مواد ۱۵ و ۱۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ و ماده ۹ آئین‌نامه اجرایی قانون بیمه اجباری ۱۳۴۷، می‌توان این ممنوعیت را پذیرفت، زیرا نه تنها اطلاق عناوین و طرق پیش‌بینی شده در مواد فوق‌الذکر چنین امری را (لااقل در صورت خدعه و تقلب) پوشش می‌دهد بلکه پذیرش آن موافق منطق حقوقی بوده و راه تقلب و سوء استفاده را می‌بندد (اصل ۴۰ قانون اساسی).

۲. علل و اسبابی که موجب اقرار شده است با هر کیفیت، تأثیری در حکم ممنوعیت ندارد. این اقرار خواه متقابلانه باشد و یا از روی حسن نیت، به هر حال، در برابر بیمه‌گر قابلیت استناد را ندارد. اقرار می‌تواند ضمنی باشد ولی پرداخت هزینه‌های

<sup>76</sup> Interdiction de reconnaissance sa responsabilité

<sup>77</sup> Jacob Nicolas, *op. cit.*, p. 241; Henri Mazeaud, *op. cit.*, p. 864.

<sup>78</sup> Jacob Nicolas, *op. cit.*

معالجه و بیمارستان یا تعهد بر پرداخت این هزینه‌ها و جویا شدن احوال زیان‌دیده یا فرار بعد از تصادف، به عنوان اقرار تلقی نشده‌اند.<sup>۷۹</sup> رویه قضایی فرانسه عمل تسلیم به رأی در مرحله بدوی را مشمول اقرار تلقی نمی‌کند ولی اعراض از مرور زمان را هرگز نمی‌پذیرد<sup>۸۰</sup>، تا بدینوسیله دعوایی را که می‌توان با ایراد مرور زمان از بین برد، مجدداً به جریان نیندازد.

۳. بخش دوم ماده ۵۲ قانون ۱۹۳۰ فرانسه، اقرار به ماهیت اعمال ارتكابی و مقدمات مسؤولیت را نافذ می‌داند. تمایز میان اقرار به مسؤولیت و اقرار به ماهیت و نوع اعمال، ظریف و گمراه کننده است. در اقرار به مسؤولیت، هدف عهده‌دار شدن تعهد پرداخت و دین می‌باشد و خطاب اقرار و منطوق آن، مستقیماً دلالت بر تحقق مسؤولیت دارد، ولی در اقرار به اعمال و اوضاع و احوال حادثه، هدف به عهده گرفتن مسؤولیت نیست بلکه بیمه‌گذار، آنچه را اتفاق افتاده است به درستی اعلام می‌نماید و نتیجه گیری را عهده دادگاه قرار می‌دهد. مثلاً راننده اتومبیل، تحت بازجویی پلیس اظهار می‌دارد که به سمت چپ حرکت نموده است، در این سخن هیچگونه اقراری به مسؤولیت نشده است زیرا ممکن است علت تامه تصادف، دیگری باشد و رابطه سببیت قطع گردد.<sup>۸۱</sup> یا وقتی رئیس یک مؤسسه تولیدی اعلام می‌کند که مسؤول زیان، کارگر او محسوب می‌شود و به موجب قراردادهای متوالی برای او کار می‌کند و بنابراین تحت پوشش بیمه قرار می‌گیرد، به عنوان اقرار به مسؤولیت شناخته نشده است.<sup>۸۲</sup>

۴. علاوه بر استثنای فوق (که در حقیقت تخصصاً و نه تخصیصاً از ممنوعیت اقرار به مسؤولیت خارج است) رویه قضایی، برخی اقرارها را از شمول ماده ۵۲ خارج می‌داند و با توجه به فقدان سوء نیت و تقلب، آنها را می‌پذیرد.<sup>۸۳</sup> مثلاً اقرار به مسؤولیت که تحت تأثیر هیجان و التهاب بعد از تصادف به عمل آمده باشد مورد پذیرش قرار گرفته

<sup>79</sup> *Ibid.*; Lyon, 3 févr, 1943, Rev, gén, ass, terr, 1943. 271.

<sup>80</sup> cass. civ. 23 Juillet 1930. s. 1931.1.45.

<sup>81</sup> Jacob Nicolas, *op. cit.*, p. 243.

<sup>82</sup> civ. 23 mars 1937. D. 1937.2.01.

<sup>۸۳</sup> این مسأله به طور کلی مطرح است که آیا ممنوعیت اقرار به مسؤولیت امری مطلق تلقی می‌شود و اثبات خلاف آن میسر نیست و به عبارت دیگر قاعده‌ای ماهوی است یا مبتنی بر اماره وجود تقلب؛ در صورت اول، امکان اثبات خلاف آن به دلیل فقدان سوء نیت و... وجود ندارد ولی اگر اماره باشد تاب معارضه با دلیل را ندارد. برای ملاحظه تفاوت میان قاعده ماهوی و اماره رجوع شود به ناصر کاتوزیان، *اعتبار امر قضاوت شده در امور مدنی*، نشر دادگستر، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۶، ص ۳۲.

است.<sup>۸۴</sup> دو تن از نویسندگان معروف فرانسوی<sup>۸۵</sup> در مورد تمایز میان اقرار به مسئولیت و عمل اظهار می‌دارند: «تمایز میان این دو، موجه می‌باشد زیرا با اقرار به ماهیت اعمال ارتكابی، از بیمه‌گذار می‌خواهیم که در آشکار نمودن حقایق مساعدت نماید و آنچه را اتفاق افتاده است بیان کند. آنچه ممنوع است، اعمالی است که به موجب آن بیمه‌گذار با اقرار به آنها در نتیجه تحلیل قضایی، بازگوکننده یک تعهد به پرداخت خسارت باشد»<sup>۸۶</sup>، ۵. با ممنوعیت اقرار به مسئولیت، قاضی دادگاه نمی‌تواند مبنای رأی خود را بر آن قرار دهد و باید به سایر دلایل رجوع نماید.<sup>۸۷</sup> ضمانت اجرای ممنوعیت اقرار، عدم قابلیت استناد در برابر بیمه‌گر است ولی سبب سقوط حق بیمه‌گذار نخواهد شد، زیرا این ضمانت اجرا نیازمند دلیل می‌باشد و چنین دلیلی از مقررات موضوعه استنباط نمی‌شود.<sup>۸۸</sup> در عین حال، رأی مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۳۲ دیوان کشور فرانسه<sup>۸۹</sup> اقراری را که به صورت «قاطع»، «برخلاف واقع» «به هدف محرومیت بیمه‌گر از اثبات خلاف مسئولیت» به عمل آمده باشد، سبب سقوط حق رجوع به بیمه‌گر می‌داند.

## ۲. ممنوعیت مصالحه و سازش از سوی بیمه‌گذار

بیمه‌گذار با انعقاد قرارداد بیمه، از پیش، همه اختیارات خود را جهت مصالحه، به بیمه‌گر واگذار می‌کند و در مقابل، خود از هرگونه مصالحه‌ای با زیان‌دیده ممنوع است.<sup>۹۰</sup> علت این ممنوعیت علاوه بر تبانی پیش گفته، نفعی است که بیمه‌گذار در جلوگیری از تعقیب کنونی خود توسط زیان‌دیده داشته و از طریق سازش، قصد منصرف نمودن وی را از طرح دعوا دارد. هرگونه مصالحه‌ای در برابر بیمه‌گر غیرقابل استناد است هرچند بین طرفین (بیمه‌گذار و زیان‌دیده) نافذ باشد و البته تفویض اختیار به بیمه‌گر در مورد مصالحه، به معنی امکان انجام هر عملی از سوی بیمه‌گر نخواهد بود و برای مثال در فرانسه، رویه قضایی در صورتیکه بیمه‌گر، سازش بیمه‌گذار را بدون علت موجه، ممنوع

<sup>84</sup> Trib, civ. Marmande, 14 novembre 1934, Jacob Nicolas, *op. cit.*, p. 241.

<sup>85</sup> Picard et Besson.

<sup>86</sup> *Ibid.*, p. 243.

<sup>87</sup> cass. civ. 18 fevrier 1964, J.C.P., 1964.IV.49, Gaz pas. 1964.1.452-Doual, 30 juin 1933, et Montpellier, 24 Oct. 1933, Rev. gen. ass. terr. 1934. 137 ets.

<sup>88</sup> Henri Mazeaud, *op. cit.*, pp. 865 et 867.

<sup>89</sup> cass. Req. 12 juillet 1932, Gaz. pal. 1932.2.636. Rev.gen.ass.Terr, 1932. 1034.

<sup>90</sup> Nicolas Jacob, *op. cit.*, p. 243; Henri Mazeaud, *op. cit.*, p. 882.

اعلام نموده باشد حق جبران خسارت را به بیمه‌گذار داده است.<sup>۹۱</sup> بیمه‌گر در صورت استفاده نکردن از اختیار سازش با زیان‌دیده، ممکن است به جبران خسارت محکوم شود.<sup>۹۲</sup> در صورتیکه مطابق شرایط قرارداد بیمه، حق بیمه‌گذار در دریافت منافع بیمه ساقط گردد و بیمه‌گر حق داشته باشد که پس از پرداخت خسارت به زیان‌دیده، دریافت آن را از بیمه‌گذار بخواهد.<sup>۹۳</sup> هرگونه سازشی لازم است با هماهنگی بیمه‌گذار به عمل آید.<sup>۹۴</sup> ممنوعیت بیمه‌گذار از مصالحه، حتی در خصوص زیان وارد شده به خود وی نیز، به نظر عده‌ای مجراست.<sup>۹۵</sup> در مقابل، عده‌ای معتقدند که بیمه‌گذار در این مصالحه آزاد است و محدودیت اعطای نمایندگی و بقای بخشی از حق مذکور برای بیمه‌گذار با قصد طرفین نزدیکتر است.<sup>۹۶</sup>

در ایران این اثر حقوقی نیز در روابط طرفین به وجود نیامده است ولی شرکت‌های بیمه با درج در بیمه‌نامه‌ها، سعی دارند نسبت به خسارتهایی که طرفین در مورد آنها به سازش رسیده‌اند، تسلیم نشده و این مصالحه را که بدون هماهنگی با آنها به عمل آمده است رد نمایند. البته مکانیسم حقوقی حاکم بر ممنوعیت مصالحه در حقوق فرانسه با دخالت رویه قضایی روشن است ولی در حقوق ایران از رویه قضایی یا تألیفی که به بررسی آن پرداخته باشد، اثری نیست.

### ۳. انتقال دعوا به بیمه‌گر و نحوه اداره آن

بیمه‌گذار با انعقاد قرارداد بیمه متعهد می‌شود که تمام دعاوی مسؤولیت را چه به شکل ترافعی و از طریق دادگاه یا به صورت دوستانه، به بیمه‌گر واگذار کند.<sup>۹۷</sup> این حکم را نباید با قائم‌مقامی بیمه‌گر برای دریافت خسارت پرداخت شده برابر دانست، زیرا در قسم اخیر، بیمه‌گر با پرداخت خسارت، به مسبب اصلی حادثه رجوع می‌کند و خسارات پرداختی را دریافت می‌نماید ولی در انتقال دعوا و اداره آن توسط بیمه‌گر، بحث دفاع از

<sup>۹۱</sup> Paris, 12 decembre. 1930. Gaz. pall, 1931.1. Rev. gen. ass. terr. 1931.309. not picard.

<sup>۹۲</sup> Cass. civ. 21 juillet 1954. Rev. gen. ass. Terr. 1954.427.

<sup>۹۳</sup> ماده ۵ قانون بیمه اجباری ۱۳۴۷ مقرر می‌دارد «در مورد عمد راننده در ایجاد حادثه یا در صورتیکه راننده فاقد گواهینامه رانندگی باشد، شرکت بیمه پس از پرداخت به زیان‌دیده می‌تواند برای استرداد وجوه پرداخته شده به شخصی که موجب خسارت شده مراجعه نماید».

<sup>۹۴</sup> Rabat. 22 fevrier 1950. Rev. gen. ass. Terr. 1950.317.

<sup>۹۵</sup> Etienne. 15 fevrier 1929. Rev. gen. ass. Terr. 1930.378.

<sup>۹۶</sup> Mazeaud et Tunc, *Trait! theorique et pratique de la Responsabilite' civil*, T. III, Paris, 1957, no. 2678; Paris, 18 decembre 1933. Rev. gen. ass. Terr, 1934. 843, not picard.

<sup>۹۷</sup> Nicolas Jacob, *op. cit.*, p. 244.



دعوا و نظارت بر آن است و ممکن است نتیجه دعوا، شکست بیمه‌گر باشد بدون اینکه قائم‌مقامی برای دریافت خسارات پرداخت شده محقق گردد. در ماده ۲۴ قانون ۱۹۳۰ فرانسه، ضمانت عدم اجرای تعهد به انتقال دعوا، محکومیت بیمه‌گذار به جبران خسارت است<sup>۹۸</sup> و فقط با اثبات قوه قاهره است که از این مسؤولیت مبرا می‌شود<sup>۹۹</sup> و حتی در مواردی نیز به سقوط کامل حق بیمه‌گذار منجر می‌شود و آن، در صورت عدم انجام کامل تعهد است. مثلاً وقتی احضاریه جلسه دادگاه از سوی بیمه‌گذار به بیمه‌گر ابلاغ نشود.<sup>۱۰۰</sup>

پس از دخالت بیمه‌گر، نوبت به اداره دعوا<sup>۱۰۱</sup> توسط او می‌رسد. این امر مبتنی بر نوعی نمایندگی است که به دلیل اشتراک هر دو طرف در سود آن (بیمه‌گر و بیمه‌گذار) به نظر عده‌ای قابل فسخ نیست.<sup>۱۰۲</sup> روشن است که بیمه‌گر، در ایفای وظیفه نمایندگی باید جانب مصلحت را حفظ کند و در صورت تقصیر شدید در اعمال نمایندگی، مسؤولیت دارد.<sup>۱۰۳</sup> در نتیجه اداره دعوا اولاً اعتراض به احکام با بیمه‌گر است ثانیاً، امکان اعتراض ثالث برای بیمه‌گر وجود ندارد زیرا در واقع، تحت پوشش و به نام بیمه‌گذار در جریان دعوا حضور دارد.<sup>۱۰۴</sup>

### ج: طرفین دعوای مستقیم - لزوم دخالت بیمه‌گذار

طرح دعوا باید مطابق قانون به عمل آید در غیراینصورت، امکان رسیدگی به آن وجود ندارد. در مواردی که اثبات رابطه حقوقی، دخالت طرفین آن را می‌طلبد، طرح دعوا به طرفیت یکی از آنها قابل استماع نیست، زیرا شرایط تحقق رابطه مذکور، جز با حضور طرفین مدلل نمی‌شود و رسیدگی بدون حضور یکی از طرفین، سبب اعمال آثار حقوقی رأی نسبت به شخص غایب می‌شود.

در فرض دعوای مستقیم که زیان‌دیده علیه بیمه‌گر اقامه می‌نماید، در اینکه بیمه‌گذار (مسئول حادثه) نیز باید طرف دعوا قرار گیرد یا در جلسه اول رسیدگی از طریق جلب

<sup>98</sup> Trib.civ.le Havre.28 decembre 1933.Gaz.pal,1934.1.481,Rev.gen.ass.Terr.1934.340.

<sup>99</sup> Paris.31 mars.1936.D.,1936.337.

<sup>100</sup> cass.civ. 6 novembre 1933.J.C.P., 1933.II.13439.

<sup>101</sup> Direction du proces.

<sup>102</sup> cass.civ. 4 mai 1949. D.C.,1942.131.

<sup>103</sup> cass.civ.20 juillet 1942.129.

<sup>104</sup> cass.soc.26 mai 1965. D.1965.117.Rev.gen.ass.Terr,1966.58.

ثالث<sup>۱۰۵</sup>، به دادرسی فراخوانده شود میان نویسندگان اختلاف نظر است؛ دعوای مستقیم برای پوشش دادن به مسؤولیت بیمه‌گذار طرح می‌شود و این مسؤولیت، ثابت و مستقر نمی‌شود مگر با حضور بیمه‌گذار، به همین علت دیوان کشور فرانسه در رأی مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۳۸ چنین اعلام می‌کند: «وقتی که هیچ محکومیتی، از پیش، نسبت به بیمه‌گر مقرر نشده باشد، برای دعوای مستقیم، حضور بیمه‌گذار و شرکت وی در بحثها امر لازمی است زیرا اثبات اصل مسؤولیت و مبلغ آن از یکسو و تکلیف بیمه‌گذار به پرداخت خسارت در برخی موارد، از سوی دیگر، این حضور را لازم می‌دارد»<sup>۱۰۶</sup>، در مقابل (Bigot) معتقد است که این حضور لازم نیست زیرا در دعوای مستقیم، زیان‌دیده از مرحله عبور از دارایی بیمه‌گذار معاف است و نیازی به جلب بیمه‌گذار به دادرسی ندارد. در دعوای غیرمستقیم که طلبکار به نام بدهکار اقامه می‌کند نیازی به کشاندن مدیون به دادرسی ندارند، به همین ترتیب، در دعوای مستقیم به طریق اولی این امر نیاز نیست. به همین ترتیب در مسؤولیت ناشی از فعل غیر نظیر کارفرما نسبت به کارگران خود، زیان‌دیده می‌تواند کسی را که از حیث مدنی مسؤول است طرف دعوای قرار دهد بدون اینکه شخصی را که پاسخگو است (کارفرما) به دادرسی جلب کند.<sup>۱۰۷</sup>

به هر صورت، جلب بیمه‌گذار به دادرسی، در صورتیکه بیمه‌گر به مسؤولیت خود اقرار نکرده و میزان خسارت نامعلوم باشد، امری ضروری به نظر می‌رسد و رویه قضایی در فرانسه بر همین مبنا جهتگیری نموده است.<sup>۱۰۸</sup>

<sup>105</sup> la mise en cause de l'assure'.

<sup>106</sup> cass.civ.13 decembre 1938,3.arrâtes,D.P.,1939,noteM.picard,Rev.gen. ass. Terr.1939.83  
note picard.

<sup>107</sup> Nicolas Jacob, *op. cit.*, p. 254.

<sup>108</sup> *Ibid.*, p. 255.

JOURNAL OF

# LEGAL RESEARCH

VOL. IV, NO. 2

2005-2

## Articles

- Commercial Code of Iran in the Process of Revision
- International Standards of Human Rights and Fight against Terrorism
- Jus ad bellum: Appraising the Report of The UN High-Level Panel on the Threats, Challenges and Change
- The Age Criterion to Vote in General Elections: Iran and Comparative Law
- The Execution of Judgments of the European Court of Human Rights

## Special Issue: Insurance Law in National and Comparative Law

- Obligation to Good Faith in Life Insurance Contract
- Direct Action and Injured Party Reference to Insurer
- General Average in the Marine Insurance Law
- WTO Principles on Insurance Services and the Legal Effects of Iran's Accession to It
- Bill of Commercial Insurance: An Effort for Removing the Ambiguities in the Iranian Insurance Code

## Critique and Presentation

- Judgment of the Iranian Court in Hemophilian Case: A Modern Approach to Civil Liability of the Government in the Iranian Jurisprudence
- The European Union's Judicial Cooperation Unit (Eurojust)

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study